

## در صفحات دیگر این شماره:

- مراسم بزرگداشت رفیق شهید تقی شهرام صفحه ۱۶
- بزرگداشت رفیق شهید علی اصغر دورس در مشهد صفحه ۱۶
- روز به روز جنگ مقاومت در کردستان صفحه ۵
- بمناسبت ۱۴ مرداد: جنبش مشروطیت و خیانت سازشکاران (۲) صفحه ۷

در شهر سنج، شهر حماسه و مقاومت چه میگذرد؟  
صفحه ۱۱

مصاحبه با رفیق تراب حق شناس پیرامون  
یاوه های شیخ محمد منتظری

حق شناس: محمد منتظری با نگاهی به من درماتنگی خود و طبقه وایدنولوژیست را نشان میدهد.  
صفحه ۱۱

در رابطه با لفظ قانون "سود ویژه" میخوانید:  
**«لغو سود ویژه» و حزب جمهوری اسلامی**

**لغو سود ویژه و جناحهای هیئت حاکمه**  
**وزیر کار در جلسه شوراها کارگران چه گفت؟** صفحه ۳

**فلسطین در جمهوری اسلامی هم "لحاف ملا" است**

● آیا میدانید روز قدس هیچ ربطی  
به مبارزات خلق فلسطین ندارد؟!

در هفته گذشته هياهو بسياری بر سر حمایت از "قدس" و "مردم" و از ره فلسطین "برپا بود" دولت مردان جمهوری اسلامی هر چه توانستند در باره "حمایتان" از "قدس" نروبان راندند بطوریکه اگر کسی از ما هیت قفا با خبر نشنا ند ممکن است خیال کند که در پشت این سروصدا ها حقیقتی هم نهفته است و جمهوری اسلامی واقعا به قضیه فلسطین کمک میکند!

مسئله فلسطین که یکی از عا دلانته ترین مسائل در مبارزات حق طلبانه خلقهای جهان است همواره مورد بیعتنایی سازمانها و احزاب راستین کمونیست و نیروهای انقلابی در سطح جهانی بوده است. سازمانها و گروههای کمونیستی و انقلابی ایران نیز تا بحال با حمایت و شرکت مستقیم در نبرد عا دلانته خلق فلسطین، نشان داده اند که طبقه کارگر و زحمتکشان ایران متحد خلق فلسطین در مبارزه علیه صهیونیسم و امپریالیسم و ارتجاع میباشد. بسیار بودند رفقای کمونیست و انقلابی که در کنار خلق فلسطین رزمیده اند و در کنار خلق فلسطین و با دربار زکشت به ایران بدست رژیم جلاد شاه به شهادت رسیده اند.

از طرف دیگر مبارزه عا دلانته خلق فلسطین همواره از سوی نیروهای ارتجاعی عرب و غیر عرب مورد سوءاستفاده بوده است. اینرا کسانی مانند آیت الله خامنه ای بقیه در صفحه ۸

**سرمایه گذارهای  
امپریالیستی در شوروی  
سوسیال امپریالیستی**

در طی سالهای اخیر امپریالیستهای آمریکا، ژاپنی، اروپایی، سوسیالیست، کداریهای وسیعی در شوروی انجام داده اند. و تواردهای متعددی با شوروی بسته شده اند. علت این سرمایه گذاریها چیست؟ چرا کشوری که به قول برونسدر مرتد "به مرزهای از حد دراز منتهی" میباشد "مادی و حتی کمونیسم" رسانده است (۱) هنوز محتاج سرمایه وام و تکنولوژی امپریالیستهای غربی میباشد؟ پاسخ این پرسشها در این نکته نهفته است که شوروی سوسیالیستی لنینیست و استالین بدنبال استقرار ریزوئیسم، خروشقی بردستگاه حزبی و دولتی و استغزای سرمایه داری انحصاری دولتی به کشوری سوسیال امپریالیستی تبدیل میگردد. پاسخ در این است که در این کشور حاکمیت تمام غبار ریزوئیسم دیکتاتوری پرولتاریا و ساختمان سوسیالیسم نابوده و دیکتاتوری پرولتاریا استقرار نیامده. برای اینکه مطلب در همین حد کلی باقی نماند باید نگاشتی را توضیح داد اما ما در اینجا دیدنی انبساط همه جانبه و اهمیت کنونی شوروی ننشیم. ما در توضیح سرمایه گذارهای امپریالیست و تکنولوژی خارجی در این کشور میخواهیم به چند مسئله مختصرا نگاه کنیم. ابتدا رسم بنظر ما این بدیده ها از جنبه قابل توضیح اند بقیه در صفحه ۹



**ماهیت حزب توده تغییر یافته یا ماهیت (اکثریت) فدائیان**

آیا واقعا کار انترناسیونال دوم به پایان رسیده است؟ یا کاتوتسکی همزم ما رگس وانگلس ریزوئیونیت، دشمن انقلابونوگر پرولتاریائی شده است؟ یا احزاب سوسیال دمکرات که بیش از ۳۰ سال نبود طبقه کارگر اروپا را رهبری کردند سوسیال امپریالیست شده اند و یا آنطور که روزا لوکزا مورگ میگوید به یک لاشه

متعین تبدیل شده اند؟ واقعتا دشواری است. هواداران و اعصاب داده انترناسیونال دوم پرولتاریای انقلابی اروپا با جدتواری سا این حقیقت روبرو میشوند. شرح است اما واقعتا دارد و چنین است که لنین فرسان میدهد: به هر کجا که سوده های نو هم زده بقیه در صفحه ۲

**چرا رژیم  
جمهوری اسلامی  
بازماندگان شهدای سینما  
رگس آبادان را سرکوب  
می کند** صفحه ۱۶

**مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران**

بقیه از صفحه ۱

ماهیت ...

نسبت به این رهبران خاش وجود دارد و بدین ترتیب و ...  
 ماهیت کژی به این دشمنان نوپای طبقه کارگر را توضیح  
 دهید. کارشناسی و دیگران که اعلامیه را از مضمنا  
 کرده و تعهد کرده بودند در صورت جنگ جهانی این جنگ  
 را به جنگ داخلی بر علیه بورژوازی خود بدل سازند  
 اینک یا رویا و رویکرد بورژوازی خودی شده اند و چنین  
 است که با بستن به هواداران آنان توضیح داد که  
 این احزاب، احزاب سابق نیستند - کارشناسی دیگر  
 ما رکیست سابق و رویزیونیست جدید خوانده میشود  
 احزاب روسیال دمکرات دیگر به مراد بدل شده اند  
 دیگر این احزاب گذشته‌ها نیستند که طبقه کارگر  
 را سیراب سازند. گندابی هستند که زوایای بورژوازی  
 تربیت میکنند. نه مراد با جای گوزنها نیست جا بگه  
 قورباغه‌هاست. این است حقیقت تلخ این حوادث  
 بارها در تاریخ تکرار شده و احزاب انقلابی به احزاب  
 فدا انقلابی بدل شده اند. باران دیرین انقلاب به  
 دشمنان آن تبدیل شده اند. سازمان چریکهای فدائی  
 خلق بعنوان یک سازمان انقلابی در میهنمان برای  
 توده‌ها آشناست. پویانها، احمدزاده‌ها، مومنی‌ها،  
 مهرنوش ابراهیمی‌ها، مرضیه عمدی اسکویی‌ها،  
 نابل‌ها و ... ما می‌باید که چو چو لوله‌ها می‌کشیدند  
 راه بسوی دریا بسازند. انقلابیون دلاوری که هر چند  
 بی تجربه، هر چند دارای اشتباهات، انحرافات غیر-  
 پرولتری فراوان اما با عشق بی پایان به انقلاب و  
 خلق کینه‌ای بی پایان علیه دشمن طبقاتی، جان-  
 بازان شکنجه و تیرباران شدند و با خونشان سنگین  
 غیاپانها را رنگین کردند. آری سازمان این انقلابیون  
 مارکسیست-اجترام بسیاری از توده‌های ما را جلب کرده است.

اما سازمان چریکهای فدائی (اکثریت) آن سازمان  
 انقلابی (ولی دارای انحرافات غیر پرولتری) نیست.  
 فدائیان آن سازمان به توده‌ها ایمان داشتند، به  
 خلق و انقلاب عشق می‌ورزیدند، اما اکثریت فدائیان  
 اینک از انقلاب و توده‌ها می‌ترسند و بداندان بورژوازی  
 گریخته و می‌کشند دست در دست بورژوازی بر علیه  
 توده‌ها و انقلاب توطئه کنند. ما پیش از این نشان  
 داده ایم (در زمینه‌های بیگانه‌های ۵۷ و ۶۴) که چگونه  
 فدائیان (اکثریت) به انقلاب خیانت کرده‌اند. در  
 اینجا ما نمی‌خواهیم در این باره سخن بگوئیم فقط  
 می‌خواهیم استحال فدائیان را از یک سازمان انقلابی  
 به یک سازمان فدا انقلابی در خود بر خورده "حزب  
 توده" روشن کنیم.

شماره‌های کار را تا ۵۹ ورق بزنید. در مورد حزب  
 توده فدائیان چه می‌گفتند؟ هر چند این سازمان در مورد  
 حزب توده - بنسب کارگزار روسیال امیریا لیم شوروی  
 فاقد تحلیل مارکسیستی بود ولی اعلامیه‌اش که  
 حزب توده‌ها را رویزیونیست است، می‌گفتند بزرگ -  
 ترین خطا اصلی برای کمونیستهاست و ...  
 ولی "اکثریت" دنبال یکسری تدارکات مقاماتی  
 در کار ۶۸ و قیحا نه می‌گویند:

"دنبال تحریکات گروه‌های تخریب و آشوب در  
 روزهای اخیر موج جدیدی از حمله به نیروهای  
 سیاسی و فدا ترسانانهای فدا میریالیست و  
 ترقیخواه‌ها زنده است. این حملات بخصوص حمله

به دفتر "حزب توده ایران" تکرار در کارها ...  
 میکند که ... (تا کنون زمانست. مبالغه حمله به  
 فدا ترسانانهای سیاسی را محکوم نمیکنیم.)  
 حزب خاش توده حزبی که بنا می‌شود بر علیه توده و  
 بسا مردم بر ضد مردم و بسا طبقه کارگر بر ضد طبقه کارگر  
 عمل میکند. اکنون مترقی و فدا میریالیست متکرر.  
 بر راستی ما هیت حزب توده عوض شده است؟ نه! هزار  
 بار نه. بی‌سبب با هم حزب توده بر علیه خلق کردند  
 جنبش کارگری، دهفانی و نیروهای کمونیست و انقلابی  
 توطئه می‌چیند. در برون به زحمتکشان و نیروهای  
 انقلابی با ارتجاع همدست میشود (مثلا در اربابها  
 بر علیه با صلاح منافقین یعنی "مجاهدین خلق  
 شرکت میکند، مبارزه خلق کرد را به لیبیا نسبت  
 میدهد و ...) و دستان غرقه در خون رژیم جمهوری اسلامی  
 را می‌شوید و ... حزب توده کماکان همه توطئه‌های خود  
 را بر علیه انقلاب و زحمتکشان و انقلابیون با جدیدت  
 بیشتر ادامه میدهد و علاوه بر این حزب همچنان در خدمت  
 به سوسیال امیریا لیم شوروی با تمام قوا می‌کوشد.  
 پس حزب توده تغییر نمی‌کند. است این سازمان  
 فدائیان (اکثریت) است که تغییر کرده و هنوز با حزب  
 توده بر علیه خلق کرد، بر علیه زحمتکشان و نیروهای  
 انقلاب و خلاصه بر علیه انقلاب سنگر گرفته است. و چنین  
 است که حزب توده‌ای که پیش از این "خاش و رویزیو-  
 نیست" بود "کنون" "فدا میریالیست و ترقیخواه"  
 نامیده میشود و اینک مقدمات را می‌چیند تا اتحاد  
 با حزب توده، متحد کارگزار روسیال امیریا لیم  
 روس گردند و سرافراز انقلاب ایران متحد عمل کنند.

سخنی با هواداران اکثریت:

دوستان!  
 اکثریت شما هنوز چشم به سنت انقلابی فدائیان  
 غرقه در خون و شهید و غمخواره، اما دوستان، این فدائیان  
 آنان نیستند. کسانی که نام آنان را اکنون یکدک می‌کشند،  
 رویزیونیستهای هستند که میخواهند طبقه کارگر و  
 توده‌های خلق ما را به گاری ارتجاع ببندند. شما در  
 عرصه‌های مختلف مبارزه طبقاتی تحت فشار، زندانی،  
 شکنجه و تیرباران قرار دارید و آن مبلغ مرتجعین  
 و بسندگان آن سازمان بورژوازی و نظیر کنندگان بنا  
 ارتجاع می‌باشند. در شماره ۶۸ کار می‌بینیم که دوستان  
 از شما هواداران را همین رژیم با صلاح فدا میریالیست  
 و خلقی جمهوری اسلامی تیرباران کرده است. اما می-  
 بینیم که کمیته مرکزی (اکثریت) چه رفتاری با این  
 سیدادگانه‌های ارتجاعی دارند. هنوز خون عزیزان ما  
 فرا مرز حمید و عبیدالله قزل خشک نشده که سازمان فدائیان  
 (اکثریت) همان سیدادگانه‌ها را ملجا و پناگاه خود  
 می‌سازند و همان سیدادگانه‌ها بر حمایت می‌شناستند و بر  
 علیه روزنامه‌ها اطلاعات به "دوستان کل دادگاه‌های  
 انقلاب" (؟) اسلامی ایران "پناه می‌برند و قیحا نه  
 این کثیف ترین سیدادگانه‌ها را که خون دهها کمونیست  
 و انقلابی دمکرات و زحمتکشان کرد و کارگران بی‌کار  
 و ... از در و دیوار آن می‌چکد بر سمیت می‌شناسند و آنرا  
 به حکمت می‌طلبند. این شما هستند که مورد آزار و  
 اذیت و حتی تیرباران قرار می‌گیرید. اما رهبری  
 رویزیونیست و قیحا نه به استا نوسی قاتلان و شکنجه-  
 گران شما می‌رود.

دوستان!  
 مرد جا بیوس و مستقلی در دادگاه لاسلطاسی حاضر  
 بود. سلطان کدما دمجان می‌خورد اندک اندک از ابدمجان  
 تعریف و تمجید می‌کند. مرد مستقل در وقت با دمجان  
 سرود می‌سراید و آنرا موه بهیستی نامداد میکند. سلطان  
 چون از خوردن با دمجان سر می‌شود و تکست با دمکند  
 به لعن و دشنام با دمجان می‌نشیند. مرد مستقل با دمجان  
 را بدترین طعام عنوان نکند و بداند به آن منازارد.  
 سلطان بر می‌آشوبد و می‌گوید تو همین دودمه بهیستی  
 با دمجان را آشوبی - مرد و قیحا نه می‌گوید نم‌نوکر تو  
 هستم و نه نوکر با دمجان.

و اینک رهبری رویزیونیست فدائیان (اکثریت)  
 میخواهد هواداران را اینگونه تربیت کند. و میخواهد  
 توده‌های هواداران را بر اساس روحه‌ای چاکر منشا نه  
 در برابر بورژوازی برورش دهد.  
 اگر تا دیروز حزب توده خاش و رویزیونیست اطلاق  
 میشد (بی آنکه ماهیت حزب توده تغییر یافته باشد)  
 امروز رهبری رویزیونیست آنرا "مترقی" مینامد و به  
 دفاع از آن بر می‌خیزد و می‌گوید که هواداران نیز  
 چنین کنید و هر چه در مورد با دمجان (اینجا حزب توده)  
 گفتند. هواداران نیز تکرار می‌سازند.  
 اما ما مطمئن هستیم که اکثریت فدائیان متعلق  
 به خلقند و دارای روحه مبارزه حویا نه علیه ارتجاع  
 حاکمی یا ضد چنین است که با بستن با قاطعیت گفت  
 دوستان این فدائیان، فدائیان سابق نیستند چرا؟  
 به این دلیل مشخص که سخنان سابق را نمی‌گویند  
 آنان از انقلاب دیگر حرف نمی‌زنند تحلیلها ایشان در  
 مورد حاکمیت (هر چند در گذشته نیز دارای انحراف بود)  
 این نیست که امروز می‌گویند. سیاستشان در مورد  
 شوروی، در مورد حزب توده به قیحا رفته است. این  
 اکثریت فدائیان هستند که دیگر نظرات گذشته خود را  
 بسود بورژوازی تغییر داده اند. هر چند تلخ است اما

واقعیت دارد. فدائیان (اکثریت) تحت هدایت فرخ  
 نگهدارها بتدریج در حال تبدیل شدن بیک گنداب کامل  
 می‌باشند. دوستان این گنداب و دیاب جایگاه "قورباغه‌های  
 خروشنجی" است (اصطلاح رفیق فدائی شهید نابل در مورد  
 شوروی) و نه جایگاه ما کمونیستها و انقلابیون راستین.  
 بگذار اکثریت فدائیان برای حزب توده مدح و  
 ثنا بگویند و متحدان نوکری بورژوازی را انجام دهند.  
 خلق قهرمان ما خاشانت رویزیونیستها را هرگز فراموش  
 نخواهد کرد. اکنون نوبت شماست که با این خیانتها  
 مرزبندی قاطع کنید. دوستان مراد با گلپای لاله را  
 می‌بیزمرد، به آن نسیم‌ها ندیده که می‌کشد با کم و  
 پاک خواهم باشد. اما چون از مراد با گذر کرد، بسوی  
 شغفش همه جا را آلود. نسیم را بجای گذر از مسرداب  
 بیاستی از جنگل سرسبز انقلاب عبور داد! از مراد با بیزمیرید!

توضیح و توضیح:

در بیگانه ۶۵، ضمن تجلیل از رفیق شهید زابیرانوف  
 از او و بعنوان "بیگانه زکر" یاد شده است. با آوری می-  
 کنیم که رفیق یک کمونیست هوادار "خط ۳" بوده و  
 وابسته به سازمان ما نمیشد.  
 همچنین در بیگانه ۶۵ صفحه ۸ ستون سوم سطر ۲۲  
 اشتباه چاپ شده "... با تمام نیرو خاشانت خود ... که  
 صحیح آن "... با تمام نیرو و قیحا نسبت خود ... می‌باشد.

برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق

# جنبش کارگری



## شورای انقلاب و دولت، دوروی يك سکه اند

هر چه از مدت حاکمیت این رژیم میگذرد، بیشتر روشن میشود که هیئت حاکمه، نما بنده ما کارگران و زحمتکشان نیست، هر چه میگذرد گوشه های بیشتری از اعمال ضد مردمی این رژیم آشکار میشود. روشن میشود که هیئت حاکمه فقط در حرف مبارزه صدا میریایستی براه انداخته است، اما در عمل در مقابل مبارزات ضد امپریالیستی کارگران، خلفها و سازش با بزرگگان قرار داده و عملاً به سازش همان سیستم سرمایه داری وابسته میپردازد. اگر بعد از قیام مپهم ما را بیا دنیا وریم، سرخ

فما با بیشتر براسمان روشن نمود. با اینکه هزارها شهید و زخمی از قیام مپهم ما سر جای مانده اما ما این علت که ما کارگران آگاهی سیاسی مان کم نبودیم به علم رهایی طبقه کارگر میزنیم و در این میان بیستوی خود محروم بودیم نتوانستیم در برابر مبارزات فرا ریکسرم و آنها را زهری کنیم، در سحر زیمسی روی کار آمد که ما را به اساس مخالف ما بود. رژیمسی که از عده ای سرمایه دار تکمیل میکند و زور و اول روی

نقد در صفحه ۴

**توضیح:**  
این هیئت حاکمه از جهت مسئله "سود و بهره" و لغو آن از جانب رژیم جمهوری اسلامی، مجدداً کارگری سرگردان به نظامی در این زمینه اجتماعاً و ادوخته علت محدودیت فعالیت کارگران در این اجتماعات کارگری (اخراج کارگران مبارز کارخانه های نفتی، مبارزه برای مبارزه با کارگران اجرائی کارخانه های نفتی، اجتناب و اجراج کارگران مبارز کارخانه های نفتی) زود به استیفاي جدید سید سوری و بعد کارگری همان خاکه در صنعت نفت - اجوا ر و... وجود داری کردند. اینها در مبارزه آسده سکا ر در جوا همدند.

**"لغو سود ویژه"**  
اعلامه سازمان  
**و حزب جمهوری اسلامی**

در این اعلامیه سود ویژه که جزئی از دستمزد کارگران مپهم ما است سازمان اعلامیهای استمبازاده است که در زیر سیب های آران را مینماید می کند:

## "وزیر کار" در جلسه شوراهای کارگران چه گفت؟

روز دوشنبه، شوراهای اسلامی کارگران در سالن ۱۷ شهردار وزارت کار در جلسه ای تشکیل دادند. در این جلسه که به وسیله کانون شوراهای اسلامی کارگران (پلی تکنیک) برگزار شد وزیر کار حرقهائی زد که ما هست ضد کارگری او، و دولتی را که این وزارتخانه جزو کوچکی از آن است به خوبی روشن میکرد.

این جلسه ساعت ۱۱ صبح (روز دوشنبه) شروع شد و یکی از مسئولین کانون که از فارغ التحصیلان دانش - کده پلی تکنیک بودا در کتند جلسه بود. اما از میان درخواست کارگرانی که میخواهند در مورد سود ویژه صحبت کنند، طبق قرار خصوصی قبلی با اداره کتند جلسه (مهندس خالقی) نوبت اول را به کشا و وزی از گیان تا بر که از گرانندگان خانه کارگران داد.

آقای وزیر سیبک حزب رستا خیز شاه به کارگر طرفدار سرمایه داران را انتصاب و عنوان نمایندند که کارگران حاضرند.

حالا دیگر راستی آشکاردم و دستها به خانه کارگر کرد حزب جمهوری اسلامی برای اکثر کارگران روس است این حزب با زور حاکم خانه کارگر را از زمین کتندگان سندها جدا و سورا های کارگری سرتی گرفت و آنرا ملک فتح شده خود قلمداد کرد و میگوید ساری کارگران تا آگاه را به طرفدار رودسته خود کتند.

سازنده خانه کارگر (از گیان تا سراسمکوند):  
نقد در صفحه ۱۳

**کارگران مبارز و آگاه!**

بعد از ۲۴ شهریور ۵۷ گریز مردم کمور ما و محسن اکثر کارگران نگرینگرند که رژیم جمهوری اسلامی ضد خود کرده است ادعا میکند، حاکمی ستمگین مردم زحمتکش می ساختار از ساعد در جهت بهبود وضع آنها و سایر بر علیه سرمایه ایسم و سرمایه داران به سن جوا همدند. ولی عمل کرده های این رژیم و افشای آنها توسط نیروهای انقلابی و سوزده کمونیستیا کم کم دست رژیم جمهوری اسلامی را رو کرده و برای بسیاری از کارگران و زحمتکشان ما هست ضد کارگری و ضد مردمی آساروش ساخته و دستها به خانه کارگران رژیم کتند از منافع سرمایه داران و رستمندان حاکم بر علیه منافع مردم سندها امپریالیستیا سارین کرده است... اعلامیه سیاسی به ساری از عمل کرده های رژیم جمهوری

نقد در صفحه ۴

## "لغو سود ویژه و جناح های هیئت حاکمه"

**کارگران مبارز!**

بعد از تصویب قانون لغو سود ویژه، از طرف شورای انقلاب، حزب جمهوری اسلامی به کمک رادیو تلویزیون و مطبوعات که در دستش است، به کمک عواملش در کارخانجات (انجمن های اسلامی) سروصدای زیادی به راه انداخته است. و این در حالی است که خود در تصویب این قانون، نقش اساسی داشته است، زیرا رهبران همین حزب ارتجاعی، یعنی بهشتی، رفته جانی، با هنر و... در شورای انقلاب حضور داشته و اکثریت داشتند. با اینحال این کلاخان و فریبکاران در حال حاضر بخاطر لغو سود ویژه بر علیه وزارت کار سروصداهای - اندازند و آنرا مورد حمله قرار میدهند.

آما حزب جمهوری اسلامی مدافع کارگران شده است؟ آیا این حزب در جهت منافع کارگران کار می کند که

ظاها به مخالفت با وزارت کار برخاسته است؟ جواب کاملاً منفی است و ما کارگران به روشنی می دانیم که حزب جمهوری اسلامی تاکنون هیچگاه از منافع کارگران دفاع نکرده است. تنها مرتدی این حزب، حکایت از اعمال ضد کارگری و ضد خلفی اودا زد.

هما نظوری که در بالا دیدیم، بدلیل اختلاف در هیئت حاکمه، بدلیل اینکه هر دو جناح (جناح بسی در و جناح حزب جمهوری اسلامی) سعی می کنند بیشترین قدرت را بدست آورند و رقیب را کتند ریزند هر کد ام سعی می کنند از وسائل گوناگون استفاده کنند. این با ربح حزب جمهوری اسلامی، زرتکی کرده و از مسئله لغو قانون سود ویژه و نارضایتی عمومی کارگران به نفع خود استفاده می کند. این حزب سا

نقد در صفحه ۴



# پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر

شورای انقلاب ...

بکار بردند تا از ایجاد شوراهای کارگری جلوگیری بعمل آورند و برای این منظور سیستم شوراهای کارگری دولتی را تصویب کردند که شما ما دفاع از شما به داران بود. اما هر کجا که کارگران آگاه می شدند و در نتیجه آنها دین بیشتری داشتند، رژیم نتوانست کاری از پیش ببرد. بنی صدر آشکارا در جهت دفاع از شما به داران گفت: "شورایی شورا، شورا بورا مالید" ماده ۳۳ که اخراج کارگران را تحت عنوانی مجاز می داند، هنوز هم با برجام و رژیم عملاً تیراها اجرا در می آید. سطح خوفی و اطمینان نسبت هر بنده کی، و گران بنی کم رنگی با پس است. رژیم کوشش می کند تا با همه مشکلات را بدویش کارگران بگذارد. توطئه لغو بود و ویژه و پیرا تحت شما ۲ ماهه قوی بحای بود و ویژه و عیدی نشان داده. دفاع آشکارا رژیم از شما به داران است. چرا بعد از گذشت بیش از ۱۷ سال از قیام، هیچ نتایجی در زندگی ما کارگران حاصل نشده است؟ چرا ده ها نان بی زمین می خوریم؟ چرا زمینداران و سرمایه داران بزرگ طلب مالکیت نمی شوند؟ چرا سرمایه های امیرالبنی معادله نمی شود؟ چرا قروض با نکجا راه امیرالبنی پیدا می کنند؟ چرا کارگران مبارز و آگاه را زندان می اندازند؟ چرا شوراهای کارگری و سندیکا های واقعی را بر هم می زنند و جلوی کار آنها را میگیرند. آزادی های سیاسی چه شد؟ چرا دوباره، خواندن اعلامیه ها حرم زندان و شکنجه دارد؟ جواب همه این سوالات را با بد در ما هیئت این رژیم پیدا کرد.

همه چیز! هیئت حاکمه، چه دولت چه شورای انقلاب و حزب جمهوری اسلامی، همه دشمنان قسم خورده کارگران و زحمتکشان جامعه ما بوده و چهار رکنی از منافع سرمایه داران دفاع می کنند.

این هیئت حاکمه میخواد هوسه میخواد بدیده در خواسته های کارگران و زحمتکشان پاسخ دهد. زیر اینان نه نماینده کارگران و مردم زحمتکشان، بلکه نماینده سرمایه داران و زمینداران هستند. و برخی از آنها نماینده و بزرگ امیرالبنی می باشد (کسانی مانند بهشتی، قطب زاده، آیت، مدنی، سردی، و...)

درون هیئت حاکمه عمدتاً دو جناح وجود دارد. یکی جناح به اصطلاح امیرالبنی، رهبری بنی صدر و دیگری جناح حزب جمهوری اسلامی، اولی بیست و درستی، در ادارات دولتی، و وزارت خانه ها، قدرت و نفوذ دارد و دیگری در سایه ساداتان، نادانگانه های انقلاب، شورای انقلاب، مجلس شورا و غیره. اینان هر یک سعی میکنند دیگری را از محیط قدرت کنار بزنند و خودجای آن را بگیرند. اما هر دو در نهایت، خواهان سرکوب مبارزات کارگران و مردم زحمتکشان میباشند و در این زمینه صدر مدیا هم موافقت، منتها یکی سیاستش در سرکوب، جماعت و بنان شیرینی است، و دیگری، تنها سیاست جماعت و سرکوب خونین و گور را در نظر دارد. اما هر دو آنها به شیوه خودشان سعی می کنند "تطمین" و "امنیتی" در جامعه بوجود بیاورند که تحت این نظم کارگران و زحمتکشان بیشتر است تا ریشه و بنی صدر بیشتر به جیب سرمایه داران برود، یعنی هم جناح بنی صدر و هم جناح حزب جمهوری اسلامی هر دو در دشمنی با طبقه کارگر و مردم زحمتکشان وحدت نظر و عمل دارند. تصویب قانون جدید، یعنی لغو سود ویژه نیز جدیدترین اقدام ضد کارگری آنها است.

بکار بردند تا از ایجاد شوراهای کارگری جلوگیری بعمل آورند و برای این منظور سیستم شوراهای کارگری دولتی را تصویب کردند که شما ما دفاع از شما به داران بود. اما هر کجا که کارگران آگاه می شدند و در نتیجه آنها دین بیشتری داشتند، رژیم نتوانست کاری از پیش ببرد. بنی صدر آشکارا در جهت دفاع از شما به داران گفت: "شورایی شورا، شورا بورا مالید" ماده ۳۳ که اخراج کارگران را تحت عنوانی مجاز می داند، هنوز هم با برجام و رژیم عملاً تیراها اجرا در می آید. سطح خوفی و اطمینان نسبت هر بنده کی، و گران بنی کم رنگی با پس است. رژیم کوشش می کند تا با همه مشکلات را بدویش کارگران بگذارد. توطئه لغو بود و ویژه و پیرا تحت شما ۲ ماهه قوی بحای بود و ویژه و عیدی نشان داده. دفاع آشکارا رژیم از شما به داران است. چرا بعد از گذشت بیش از ۱۷ سال از قیام، هیچ نتایجی در زندگی ما کارگران حاصل نشده است؟ چرا ده ها نان بی زمین می خوریم؟ چرا زمینداران و سرمایه داران بزرگ طلب مالکیت نمی شوند؟ چرا سرمایه های امیرالبنی معادله نمی شود؟ چرا قروض با نکجا راه امیرالبنی پیدا می کنند؟ چرا کارگران مبارز و آگاه را زندان می اندازند؟ چرا شوراهای کارگری و سندیکا های واقعی را بر هم می زنند و جلوی کار آنها را میگیرند. آزادی های سیاسی چه شد؟ چرا دوباره، خواندن اعلامیه ها حرم زندان و شکنجه دارد؟ جواب همه این سوالات را با بد در ما هیئت این رژیم پیدا کرد.

همه چیز! هیئت حاکمه، چه دولت چه شورای انقلاب و حزب جمهوری اسلامی، همه دشمنان قسم خورده کارگران و زحمتکشان جامعه ما بوده و چهار رکنی از منافع سرمایه داران دفاع می کنند.

این هیئت حاکمه میخواد هوسه میخواد بدیده در خواسته های کارگران و زحمتکشان پاسخ دهد. زیر اینان نه نماینده کارگران و مردم زحمتکشان، بلکه نماینده سرمایه داران و زمینداران هستند. و برخی از آنها نماینده و بزرگ امیرالبنی می باشد (کسانی مانند بهشتی، قطب زاده، آیت، مدنی، سردی، و...)

درون هیئت حاکمه عمدتاً دو جناح وجود دارد. یکی جناح به اصطلاح امیرالبنی، رهبری بنی صدر و دیگری جناح حزب جمهوری اسلامی، اولی بیست و درستی، در ادارات دولتی، و وزارت خانه ها، قدرت و نفوذ دارد و دیگری در سایه ساداتان، نادانگانه های انقلاب، شورای انقلاب، مجلس شورا و غیره. اینان هر یک سعی میکنند دیگری را از محیط قدرت کنار بزنند و خودجای آن را بگیرند. اما هر دو در نهایت، خواهان سرکوب مبارزات کارگران و مردم زحمتکشان میباشند و در این زمینه صدر مدیا هم موافقت، منتها یکی سیاستش در سرکوب، جماعت و بنان شیرینی است، و دیگری، تنها سیاست جماعت و سرکوب خونین و گور را در نظر دارد. اما هر دو آنها به شیوه خودشان سعی می کنند "تطمین" و "امنیتی" در جامعه بوجود بیاورند که تحت این نظم کارگران و زحمتکشان بیشتر است تا ریشه و بنی صدر بیشتر به جیب سرمایه داران برود، یعنی هم جناح بنی صدر و هم جناح حزب جمهوری اسلامی هر دو در دشمنی با طبقه کارگر و مردم زحمتکشان وحدت نظر و عمل دارند. تصویب قانون جدید، یعنی لغو سود ویژه نیز جدیدترین اقدام ضد کارگری آنها است.

بغیة از صفحه ۳ لغو سود ویژه ...

کارآمدش، بیوسه در جهت منافع سرمایه داران و سرکوب مبارزه کارگران و زحمتکشان قدم برداشته و بر می آید. بعد از قیام رهبری دولت به دست مبارز کارگران (بنی صدر) افتاد. و دیدیم که آشکارا از نظم گذشته پشتیبانی می کرد و نظام سلطنتی را بدون حکومت شاه منتها با همان قوانین و راه و رسم گذشته خواهد بود. رژیم جدید کوچکترین دستنی به ترکیب سازمانی ارتش ضد خلقی نداد و همچنان آنرا برای سرکوب مبارزات مردم زحمتکش محافظ نمود. در دوره، بارزگان سودگرم مبارزه عادلانه و بیروح کارگران کارخانه میگو، در خرم دره، زنجان به خون کشیدند. مبارزات کارگران سیکسار در تهران، اصفهان و... به رگبار گلوله پیوسته شد و در نوروز، به عنوان عیدی طبقه سرمایه داران رژیم حاکم، بمب های آتش زنا و توب و تانک به خلق کرده شد. رژیم با تمام توانش جهت سرکوب مبارزات خلق کرد، اقدام نمود تا از منافع ملاکین سرمایه داران دفاع کرده و جلوی هرگونه تحولات و تغییرات سرمایه داران را بگیرد. همین رژیم بود که کوچکترین قدمی در جهت معادله سرمایه های سرمایه داران و وابسته در ایران به عمل نیاورد و در همان ابتدای روی کار آمدنش، ۵ میلیارد ریال وامی به آنها داد تا دعوی سرمایه های کلانی که از ایران خارج کرده بودند، دوباره به جیب منافع و وابسته به امیرالبنی سرکوب مبارزات خلق کرد. مقابل، او مانا چیز کارگران سیکسار را قطع کرد. وقتی که یکی از خواسته های مهم کارگران، معادله مبارزات سرمایه داران فراری بود، و رژیم دولت با اصطلاح انقلابی در اجتماع کارگران رسماً اعلام کرد که "هرگونه مخالفت با بازگشت سرمایه داران فراری، یک توطئه ضد کارگری است!!" ۵۷/۱۲/۴ و آشکارا از منافع سرمایه داران فراری به دفاع برخاست.

همچنین در دوران دولت مبارز کارگران بود که هرگونه نظرات سرکوب می شد، جنگهای برادری به خلق کرد، ترکن، عرب، بولج و... تحمیل گردید و دهها شهید به جای گذاشت بعد از بارزگان، برای یک دوره، رهبری اوضاع به دست شورای انقلاب و حزب جمهوری اسلامی افتاد. در این دوره نیز هیچ کاری صورت نگرفت و روال گذشته ادامه یافت. همان اوضاع قبلی دوباره تکرار شد. حمله به کردستان با شدت بیشتری آغاز شد. کتاب سوزاها شروع شد و تظاهرات و اعتصابات به خون کشیده شد. بعد از بنی صدر رئیس جمهوری شد. کشتار کارگران ادامه یافت (اصفهان، اندیمک، درود و...)

و حمله به کردستان دوباره شروع شد. اگر در بعد از قیام، همچنان قانون کار را بر پایه مهری در کارخانجات اجرا می شد و شورای با اصطلاح انقلاب و دولت انقلابی، کوچکترین قدمی در جهت تکوینی این قانون ارتجاعی و ضد کارگری بر نمی داشتند، در دوره بنی صدر ضد کارگری بجای آن باقی ماند.

در مقابل مبارزه و فشاری که کارگران برای سر قرار شدن ۴۰ ساعت کار در هفته انجام دادند، هم شورای انقلاب و هم دولت، این درخواست بیروح کارگران را که به ضرر سرمایه داران بود رد کرده و آنرا "توطئه عناصر ضد انقلاب در میان کارگران" جلوه دادند.

این رژیم و منجمه شخص بنی صدر، کوشش فراوان

بغیة از صفحه ۱۴

۴۰ ساعت کار در هفته برای کارگران

# روز به روز، جنگ مقاومت در کردستان:

۵۹/۵/۷: آشنویه

فحاشی که در فارس و اندلس آنجا آمد، همچنان  
ارخان ارتش و با داران ادا می‌دارد. در کردستان  
آنچه که می‌توانست می‌کند، شکنجه و آزار خلق برای  
ایجاد اصطلاح امنیت، در کردستان سدا می‌کند. در  
ساعت ۱۱ صبح ۵۹/۵/۷ ارتش و با داران با حصار  
روسی "بژاوه" از روسای اطراف آشنویه سوری  
میرسد و با دوتا تک و پنج ماشین ارتشی وارد روسا  
می‌شوند. مردان روسا که سرگرا می‌شوند، همان سه  
دعا می‌کنند. ارتش و با داران سحای مردان و  
حتی سوجوانان را دستگیر کرده و با خود به خانلوکه می‌برند  
آنجا است می‌برند و در باغ به اعتراض زبان و کودگان  
با تفنگ آنان را تهدید می‌کند. منظره زنان و کودگان  
و حسرتی در کفایت عمل و حساسه با داران و  
زیبون عزیزان است. می‌شوند و خم و غیرت هر چند می‌شود  
را بر علیه هات حاکم می‌ریختند. در این سوری  
و حساسه ۴ نفر دستگیر شده اند که بر اساس احصای  
رسیده می‌شود که خود از اسیران گرفته اند. آشنویه  
انگال غیرتانی برای ارباب و سرکوب و معافیت خلق  
کردا حاکم می‌کند. اما برخلاف نظریات دشمنان خلق  
سوری و معافیت و محکمات با آن سادیزات است.  
و امنیت را بنیاد روسای نشان کرکشان، واقع در  
اطراف آشنویه از مردم روسای "بژاوه" خلقی خوب  
نشان می‌دهد. اس روسای نشان رحمتی با اطلاع از  
سوری و حساسه از زمینها را کردن کار خوش به طریقت  
آشنویه حرکت کردند. آنان از اعمال مدخلی ارتش  
و با داران اسیران را تبعید کردند و جوانان ادا می‌نمایند  
بشمیرگان نبرهان شدند. آری، بی‌تراسی خلق  
سی با آن است!

۵۹/۵/۸: مریوان

بشمیرگان قهرمان حماسه می‌آفرینند  
در این روز یک سون ارتشی متشکل بر حدهای  
تاک و کامیون حامل حاش و با داران روسی سنا  
حما ۳ فروند هلیکوپتر از سنج به طرف مریوان در  
حرکت بود. اس سون در کوه "کاران" در کمین  
بشمیرگان رزمندگان گومله، دست نهادن افتاد.  
بشمیرگان با حمله ای شجاعانه ضربات سختی به سوره ای  
دشمن وارد آوردند. روز بعد همس سون در دو نقطه  
دیگر مجدداً بر حمله شدیدی بشمیرگان حاش را زکولید  
ترا گرفتند. در این درگیری که از ساعت ۹ صبح تا ۱  
سعدا اظهار ادا می‌داشت تلفات سنگینی به سون وارد  
آمد. چهار کامیون حامل مهمات و نفرات آتش گرفتند.  
ک کامیون به دره سقوط کرد و سون مریوان آن کشته  
شدند. پنج کامیون دیگر نیز توسط بشمیرگان قهرمان  
منهدم گردید و سون از ۹۰ نفر از افراد ارتش با سدا  
و جاش کشته شدند. در این نبرد بی‌ترکوه یکی از بشمیرگان  
به کشته شد.

۵۹/۵/۹: قلاتان

کوشه ای دیگر از جنایات رژیم در کردستان  
در ساعت ۷ صبح با داران نغده با حاش است



# در شهر سنج، شهر حماسه و مقاومت چه می‌گذرد؟

ارتش و با داران چه می‌کنند؟  
باد ختران مبارز خلق کرد چگونه رفتار می‌شود؟  
انقلابیون چگونه شکنجه می‌شوند؟

ساروحه مفا و خلق را در هم شکنند و روی اربابان  
که وارد حاشیانی شده بودند، با حمله از کودگان حیدر  
که بر علیه آنها با سدا و سون و سون و سون و سون و سون  
خانکه عمیده می‌کند. آنها را تهدید کردند و گفت: "خرجه  
زودتر می‌شود و الا همه با آنرا در کار کلوله  
می‌شود. کودگان ۱۲ ساله ای در باغ وحی کفایت  
"سوپ و تاک سما سوانت ما را از شهر بیرون کنید و  
جانشانی خواهد انگار را کنید." با حاش با سدا  
جمهوری اسلامی زکفاری بود که می‌های کودگان  
ملک کرد، حاشان از چون کودگان رنگین کنند. در  
کوشه ای دیگر درگیری خالی از سمر که سوزنی  
شده بود. اربان و با داران سون هجوم بردند و با  
تربا بستگی می‌خواستند او را ادا به خلیه سکر  
کنند و سون شجاعانه در تریا دمیدند: "نه! این سکر  
نوریدان من است و هیچ کسی نمی‌تواند این سکر  
را که دسان خودمان را حاشه ام، اشغال کند."  
آری آن کودگان و اس سون اس خلق شدند. همان  
کفاری "سند که اسان جمهوری اسلامی آنحاشان  
دیوانه و اربان سون کوشان صحبت می‌کنند و سون رحمان  
کشاران دم می‌زنند. سینه در سجد ۶

کارگران، رحمتگان و سوندهای انقلابی ایران!  
بیش از دو ماه از اشغال شهر سنج توسط  
سورهای ارتش مدخلی، با داران ارتجاع و حاشیای  
خاش و خود فروخته می‌گذرد. شهر سنج که به مدت ۲۶  
روز در سار برتیا جمعه ها نهد و سون و سون و سون و سون و سون  
با آن کلوله های سون و حاشا زهوا کت، به معنا و سون  
حما به آفرینی دست زده بود، اینک با سون سون های  
مزدورانی که به دستور آفرینی سون سون های اربان  
با هاشان در تریا و رده اند که کوب می‌شود و مردم دلاویز  
مورد ضرب و شتم سون و سون و سون و سون و سون و سون  
می‌گیرند. سون سون از برتیا اربان کلوله سون  
و حاشا ره، سنج حاشیای از چون سون سون و سون و سون  
فهرما سون، اینک به میدان سون و سون و سون و سون و سون  
که مدیت سون خود را به نقطه سون خلق کردند  
بلکه با کلیه خلقها و رحمتگان می‌نشان نشان داده  
است. در آورده است، حاشیات و سون و سون و سون و سون  
خلق در این مدت کوشا به سون از حاشا سون  
کشاران و حاشا سون سوندهای مبارز  
می‌نشان را که مدیت رژیم حاشیای صورت می‌کند  
در ادهان رزمه می‌کند. رژیم جمهوری اسلامی می‌کند  
حاشیات و کشاران رحمان خلق کرد، با سون و سون  
سکوت برقرار کند و از سون و سون و سون و سون و سون  
تربسونهای ارتجاعی، به حاشیای و سون و سون و سون  
علیه خلق کرد و سون و سون و سون و سون و سون و سون  
رژیم سون کوشا سون سون در سون حاشیای و  
زحمت و نایب دارد. ما لازم می‌دانیم به منظور آکا حاشیای  
رحمتگان و سوندهای انقلابی می‌نشان، اربان سون  
رژیم در کردستان برده سون و سون و سون و سون و سون  
که فریاد اعتراضی و غیرت خود را نسبت به اعمال رژیم  
بلند کنند. چه آنکه در کردستان قهرمان می‌گذرد. به  
شوه های دیگر و اوج گیری مبارزات با سون و سون  
رحمتگان ایران، بر آنها اعمال نده و خواهد شد.



روز ۲۱ اردیبهشت ما به یود که بشمیرگان قهرمان  
خلق کرد، تصمیم گرفتند، برای جلوگیری از کشاران  
مردم سون شهر سنج، که در یک حاکم سون و سون و سون  
روز سون و سون می‌تواند، سون و سون و سون و سون  
از بشمیرگان نخله سون و سون و سون و سون و سون  
تا دور و سون و سون و سون و سون و سون و سون و سون  
بشمیرگان را سون و سون و سون و سون و سون و سون  
دیگر سون و سون و سون و سون و سون و سون و سون  
سند و سون و سون و سون و سون و سون و سون و سون  
داده و دستگیر کردند، سی جهت سون و سون و سون

# حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست

دشمن

بغض از صفحه ۵  
با استغفار از ریش، با ساداران و جاسپا، ملامت طلبه خانه کردید! آغازند، آنها محلات را محاصره کرده و سپس وحشیانه منازل مردم هجوم می آورند. در هر خانه ای که قفل بود یا رگبار کلوله و قسدانی سلاحها را میسند. خانه ها را زبر و زبر میگردند تا به قول خودشان عناصر ضد انقلاب را با کماری کنند. در منازل بدستال افراد مبارز و انقلابی بودند، و هرگاه کسی را می یافتند، بدروما درها را بعنوان کروکان دستگیر میکردند. سه اینترتیب صدها نفر از جوانان و مردم شهر را زودگان کم سن و سال گرفته تا افراد مسن، دستگیر کردند و مورد آزار و اذیت قرار گرفتند. جرم اکثر این عده ما معلوم نیست. در آوردی مردمی از افراد راه جرم همکاری با سلاح با صلاح "عدا انقلاب" دستگیر کرده بودند. دخترانی که شلوار کردی به یاد داشتند به جرم "عدا انقلاب" و "اترار" شدت مورد توهین و آزار قرار می گرفتند و چندین نفر از آنان در همان روزهای اول بدون هیچگونه محاکمه ای به دستور حجت الاسلام هادی غفاری به تیرهای اعدام بسته شدند. غفاری در پاسخ بعضی از پرسشهای این که به این امر اعتراض کرده بودند گفت: "این دخترها کمونیستند، آنها فاسدند و اغلب آنها فرزندان با مشروع و ارتداد و اعدای ما اند و اعدای ما واجب است. این است کثافتی که از دهان نمایندگان "خط امام" رژیم جمهوری اسلامی که مغزهای غلیل و دسپهای خونیست در کشتار خلق محروم میکنند، بیرون می آید. این دختران و زنان اغلب مبارزین جوانی بودند که در زیر کما رگلوله ها به مذاوای زحمان و محرومین جنگ می بردند. آنها مبلغین بیرونی بودند که در خلال جنگ، توده ها را آموزش میدادند. آنها غذای اهالی محله و پیشترگان را بهیچ وجه نرسد میکردند. آسمان فخر ما را نخواستی بودند که بدون کمک آنها ما و مسدولیا به شهر سنج می آمدیم. و آن وقت هادی غفاری این شعبان بی مح رژیم جمهوری اسلامی به آنها اتهام "فاسد" می زد، سنگ و بفرست بر ما داد! خفتان و احتیاج در شهر پیدا میکنند، بعد از افرادی که دستگیر شده اند پس از آنرا باز است. بطوریکه دستگیر زندانیان حاشی ندارند، بعضی از زندانیان راه به راه های چون شهران و کرمان ساد برای محاکمه فرستاده اند و بعضی دیگر را با صدمات آزاد میکنند. اما از اعدای ما روز بروز افزایش می یابد. اعدای ما را در دسته های ۵-۴ نفری انجام میدهد. برای این اعداها هیچ گونه دادگاهی تشکیل نمی شود. و مدت محاکمه از سیم تا نجا و رسمی کند. کما فی السابق برای این که در کشتار نخی را در نظر هرات و سایر نمان کنی را با اسلحه در حاشان دیده است. این به معنی حکم اعدام محض است. حصار اعدا بدگان را به احوال خود نمی دهد. و در صورت موافقت آنان، باست دادن حصار بدول ریادی در یافت میسند و احوال خود را بهیچ وجه نمیسند که حق برقرار می هیچ گونه مجلس جرم را نخواهند داد. تاکنون آمار رسمی اعداها در سنج چنانچه از نظر گزارش شده در حالیکه آمار غیر رسمی حاکی از اعدام بیش از پنجاه نفر است.

مردان و بیوران سرسخت مورد آزار و شکنجه قرار می گیرند. جاسپا و ساداران، به سوسه های ساواک زندانیان را کتک زده، آنها را به زنجیر می بندند. می سوزانند و بر سر مارت و منت و لگد و تنگ می گیرند. بعضی از رفقای سیری که بعد از آزاد شدند، در اثر شدت ضربات وارد جانی آیدر جاسپا های خود را و ناما بیدر مادران را فراموش کرده بودند.

هیچ عابری در حاشان امنیت ندارد. جندی پیش دوکار زکر، که در میدان آزادی سنج برای جستجوی کار میسند و بیسندون هیچ دلیلی، مورد تیراندازی با ساداران قرار میگیرند و به شهادت میرسد و ساداران مردود در پاسخ به این سوال که چرا تیراندازی کردی میگوید: "آنها دستان راه جیبشان بر دندون من فکر کردم که می خواهند با رنگ بر ما کنند؟! روزها نشی که یکی از مردوران ارتشی، با ساداران جاسپا، بدست نیروهای افغانی معدوم میسوند. اکثر مغازه ها را به زور با اسلحه تعطیل میسند و مردمان را جاسپا به نظر هرات دعوت میکنند. در این نوع نظرها با معمولاً به جرم چند ده نفری که حاشی و یا محافطه کارند کسی شرکت نمی کند و اغلب شرکت کنندگان آن خود جاسپا، با ساداران و ارتشی هستند.

اخیرا جاسپا شهری نام "عبداللله حصاران" معروف به "غبه ماره"، در سنج طی یک درگیری با پیشترگان و مجروح و کشته شد. و ادوست سنج و روزنامه جمهوری اسلامی که مدافعین سر سخت جاسپا استرگان ملتان کرد هستند، با آت و بات شرکت کنندگان در نظرها را داده ها را بر سر افراد مردم سنج حواستند. در حالیکه بعد از شرکت کنندگان سنجی که اکثر آنها به زور بر سر راه نظرها کشته شده بودند به چند صد نفر هم می رسد ساداران، جاسپا و ارتش در حاشانها سوار میسند. و مردم آنها می خندند. مردم سنج آرزو را با سربک مرک "عده ماره" حاشی می گیرند، و دامن ایلها به و نظرمحلی عزاداری می کرد!

**کارگران، زحمتکشان و توده های انقلابی و مبارز ایران!**

ظهور فوق العاده کوچکی از جاسپا رژیم جمهوری اسلامی در کوشای از کردستان، در شهر پیرمان سنج است. رژیم ایلها نمی گوید، خود را فاتح نشان دهد اوسعی میسند و ده های نا آگاه ها بر ماطی ایران را فریب داده و جنگ خمیلی کوشای را جنگ مسان "کفار و مشرک" میسند. و حاشی میسند. حاشی نمایندگان هفت جا که ایران پس از آت اللله حاشی، مسطری، جمران، فلاحی و... در این حاشیات سپیم هستند. آنها سعی میسند با نیکه بر نا آگاه می بخش وسیعی از توده های خلق، حاشیایی را که در کردستان انجام میسند و جنگ سی رحمانی را که به بهانه طبع سلاح عمومی و جنگ با عراق آغاز کرده اند لایوسی کنند.

اما در مقابل، خلق دلاور کرد و پیشترگان پیرمانش در کوه و شهر مبارزه میکنند. روزی نسبت که خیر از ضربات موفقیت آمیز پیشترگان خلق منتشر میسود، هسه های مقاومت در شهرها و بویژه شهر سنج همراه با ضربات نشانه پیشترگان خواب و آزارش را بر سر سواد دین حرام کرده است. و توده های مبارز سنج با عزمی راسخ تروبا آگاهی هر چه بیشتر از ما هب رژیم ضد خلقی و با تجاری که از جنگ قبلی کسب کرده اند، میروند تا حرکت توده های را در جهت افتا و مقاومت در برابر سواد متخاصمان را کسب کنند. رژیم ما بدستواند

چند صا حی شهرها را به اسمال در آورد و به حاشیات سی رحمانه و غیر انسانی خود ادا میسند. لیکر کردستان اس دزیولادس مبارزات دموکراتیک و دمابریالستی خلق را نمی توان سخنر کرد. سکا رزمی حاشیات خوش ما هب کز به و بفرات اکبر خود را هر چه بیشتر به نمایش بگذارد، ما لاخره بیروزی آن خلق و سقوط از آن ضد خلق است.

توده های انقلابی، سازمانهای مترقی و انقلابی

خلق دلاور کرد با یک بهشترا زهر زمان دید که احتیاج به حمایت افغانی شما دارد. شما وظیفه دارید. بر علیه اعمال حاشیایکانه و غیر انسانی رژیم در کردستان، فریاد اعتراض بلند کنید. با حمایت مادی و معنوی از جنبش خلق، با یختر اخبار جنبش مقاومت و افتا کسری حول اخبار کردستان، نوظئه سکوت را در هم بکنسیم، و توده ها را حول حمایت از جنبش مقاومت خلق کسرد برای افتا کسری، نظرها را و کمکهای مادی و معنوی، سازماندهی کنیم.

بیروزی خلقهای ایران در کروه همبستگی و اتحاد مبارزاتی آنان است!

سرفرا را بدینگونه مبارزاتی خلقهای سراسر ایران بیروز با دمبارزه حق طلبانه خلق کسرد و خلقهای تخت ستم ایران!

سرفرا را بدو دمخاری خلقها در جرحوب ایرانی مسدل و دموکراتیک!

سازمان سکا در دوره آزادی طغده کارکر (کمیته کردستان) ۵۹/۵/۲۰

بغض از صفحه ۵  
روز به روز...

سایک ارتشی ده "لالان" اواقع در ده کیلومتری حاده سوریه - ننده (را محاصره کردند و با ایدر تعب و وجت، به حاشیایکسان سی دفاع روسا، سورس برده و در حدود ۳۰ نفر را سارت خود در آوردند. آنها دشمنی آشکار خود را با حاشیایکسان با اعمال وحشیانه ای ما بدینست سنگ به یکم و آت نامالی مردان، سی برده - سربها سار گذاشتند. در این حمله نا کجای ارتش به حاشیایکسان را ساداران به بیستوی بردا خند اما سربزی با کودک سرخوار را ش جلوی سائکها دراز کردند و آنها را وادار به سوخت نمودنشان داد که خلق جحاشانسه مقاومت میکنند!

۵۹/۵/۹: آشنویه

مردم دشمنان خود را در هر لپاسی میسند تا سبت در ساعت ۹/۵ صبح تیورای شهر، هسات حسن سبت و بخندار شهر آشنویه به منظور عوام فریبی و منحرف کردن مبارزات مردم، اعلام خصمن ورا همیاشی میکنند. اما در سخنرا سبهای اس مراسم که با سلاج به منظور اعتراض به عملکرد ساداران و ارتش بر پا شده بود، مردم راه طبع سلاح دعوت نموده و آنان را از هجوم ارتش و با ساداران میسند. اما مردم شهر که متوجه میسوند این نمایشات به منظور طبع سلاح آنان بر پا شده است با عصانست از مسخدارج کشته و جاسپا را همیاشی بر علیه نیروهای سیاسی و پیشترگان پیرمان خود میسند و به سبب یکبار دیگر خلق پیرمان کرد آگاهی خوشی را که در درون مبارزهای تخت بدان دست با افتا است، نشان میسند.

درود سر خلق پیرمان کرد!

با سبده با دشمن مقاومت کردستان

بنیادسب ۱۴ مرداد:

## جنبش مشروطیت و خیانت سازشکاران (۲)

### کودتای ارتجاع محمد علیشاه و خیانت های سازشکاران

محمد علیشاه و درباریان مرتجع وی که سرما زشی با "رهران" مشروطه نداشتند و به پیروی از اربابان امپریالیست روسی سیاست سرکوب تمام عیار را برگزیده بودند از همان آغاز حکومت در تدارک توطئه و سنگ اندازی بر علیه مجلس شورای ملی و در جهت خفه کردن مبارزات انقلابی در نقاط مختلف کشور و یوسوزده در آذربایجان میگوشتند. پس از مدتی محمد علیشاه رسماً ارتجاع موزول دعوت نمود تا از خارج به منظور اشغال مجدد پست وزارت به ایران آمده و ما موریت سرکوب بی امان انقلابیون مشروطه خوا را برعهده بگیرد. از جانب دیگر با زنگارانی همچنان سرگرم اخلال در کار انقلابیون و بازداشتن توده ها از حرکات انقلابی بودند. با ورود مجدد تانک فضا لیت مرمجمعی چون شیخ فضل الله نوری افزایش یافت.

انقلابیون در مقابل تانکها و روشهای سازشکارانه رهران جنبش مشروطه همچون سهپا سهپا و طباطبائی ها مستقیماً به شیوه های انقلابی و قهرآمیز مبارزه بر علیه ارتجاع متوسل میشدند. در تریب سز دسته های فدائیان بوجود آمده و "مرکز غیبی" سرگرم صلح ساختن مردم بود. کمکهای انقلابیون فغفکار (سوسیال دمکراتها) افزایش می یافت. اوضاع انقلابی بر سر بزخا کم بود و مردم قهرمان این شهر به استقبال و پشتیبانی از دسته های صلح مشروطه خوا ها و مجاهدین انقلابی آمده فضا میندند.

جنايات محمد علیشاه و مزدوران او با عت تشدید مبارزات توده ای میگردد. قوا ردا را با زنگار ۱۹۰۲ که حاصل توافق میان امپریالیستهای روس و انگلیس بر سر تقسیم ایران بود پیش از پیش ختم او اعتراضات توده ای را دامن زد. توطئه های دربار با بکارگیری دسته های مزدور صلح و غیر صلح بر علیه انقلابیون مشروطه خوا ه اوج گرفت. در پی این اوضاع و احوال انجمن تبریز که از ماهیت انقلابی پیگیری برخوردار بود طی مخا بره تلگرافی به همه شهرها محمد علیشاه را ازلطنت خلع نمود. این کار از جانب انجمنهای بسیاری از شهرها نهی دیگر تریب سز کرد.

بالاخره محمد علیشاه برای تکمیل توطئه های سرکوب خود به منظور انجام کودتای عدانقلابی بر علیه مشروطه خوا ها ن بهمانجا رفت و فتنون خود را کسه با ارتکا دهای فزای روسی تحب فرماندهی لیا خوف در را س آنها بود سزای سخیر مجلس کسبل داشت. مجاهدین و فدائیان صلح و بسیاری از توده های مردم در مقابل مجلس در میدان بهارسان اجتماع کرده و آماده دفاع بودند. اما سناکها ن آت الله طباطبائی همراه عده ای دیگر از "رهران" ارتکار به تار فضا و با اضرا مردم را مغرور ساختند. در نتیجه هکسام سررسیدن فزانا ن ارتجاع به عده کمی از مجاهدین صلح در آخا نافی مانده بودند و بعد از سز درختی تا کرسر به عت نشینی کردند. کودتای محمد علیشاه با مبارزان مجلس به پیروزی رسید و مشروطه خوا ها ن دجا رنگست بخی کردند.

### قیام تبریز و تسخیر تهران

در تبریز کما ملا وضعیت انقلابی برقرار بود و انقلابیون صلح جان برکف با حمایت کامل توده ای به مبارزات خود شدت بخشیدند و جنبش انقلابی را به پیش میبردند. آنان چندین بار دسته های ارتجاعی حکومت نظیر دسته رحیم خان مرتجع و فتنون حکومت محمد علیشاه و بارنگا دفزاق را شکست دادند. در جریان مبارزات

- تحریک تلخ خلع سلاح مجاهدین مشروطه توسط سازشکاران به قدرت رسید به خوبی این واقعت را نشان داد که توده ها تنها به اتکا نیروهای صلح توده ای قادرند قدرت سیاسی بدست آورد و مرا حفظ نمایند.
- انقلاب مشروطیت نتوانست به پیروزی برسد چرا که نظام اقتصادی - اجتماعی نیمه فئودالی و تریب سز نفوذ و سلطه امپریالیست ها را بر میبند. مادست نخورد به باقی گذاشت.

قهرمانان شهر تبریز مجاهدین چون سنا رخان و بار فز - خان که از میان توده ها برخاسته بودند در تانکهای فراوانی از خود بسوز دادند و از محبوبیت توده ای گسترده ای برخوردار گردیدند. حمایت بدمدر صلح انقلابیون فغفکاری و حتی شرکت فعال بسیاری از کمونیستهای فغفکار در عملیات مسلحانه تبریز باعث افزایش چشمگیر توان قیامگران تبریز شدند. دسته های فدائیان صلح به همراهی مردم توانستند در اداخانه بزرگ شهر تبریز را فتح کنند. این واقعه در تاریخ مبارزات آزادیخواهان خلع از اهمیت بسزایی برخوردار بود.

قیام تبریز باعث رشد جنبش انقلابی در سایر شهرها و نواحی نظیر اصفهان، خراسان و گلستان گردید. ارتجاع که جنبش تبریز را مرکز انقلاب ایران تشخیص میداد به محاصره افتاد. این شهر قهرمان دست زد. اما مقاومت جانانه انقلابیون صلح و توده های مردم تا مدت زیادی بوزها مجسم را به خاک می مالیند.

دولتها ی امپریالیستی روس و انگلیس تا به ادا انجام توطئه های پیش باری فراوان میرسانند. پس از گسترش و تحکیم موقعیت انقلابیون در تبریز و گلستان و تریب سز مردم با برتقا ط بر علیه حکومت، تریب سز برای حمله به تهران و تسخیر پایتخت مهیا گردید. ابتدا این کار توسط فدائیان صلح تبریز شروع و سپس انقلابیون گلستان و سایر نواحی نیز حرکت خود را بسوی تهران آغاز کردند. آنان پس از تریب دهای سخت با فزاقان محمد علیشاه، بالاخره در ۲۲ تریب ماه ۱۲۸۸ پس از شکست فتنون فزاقان و ادا تهران شدند و مجلس را به تصرف در آوردند. سازشکاران تا مل اشرف لیسرا ل، روحانیون و مجتهدین متنفذ و بسیاری از آنها ن که خود را مل پیروزی کودتای ارتجاع بودند مجدداً با فریبکاری خود را در صفوف مشروطه خوا ها ن جا زدند و در اشرف فتنون رهبری واحد انقلابی بر خشی و عدم آگاهی توده ها توانستند بروج جدید مبارزات نیز سوار شوند.

پس از فتح تهران بلافاصله حکومت ملاکیس لیسرا ل، روشنفکران لیسرا ل و خویشین بختیاری با حمایت وسیع روحانیون مرتجع تشکیل شد. آنان رژیم استبداد فئودالی را دست نخورده گذاشتند و ما شکل انقلاب را حل شده و نمود کردند. آری از نظر این خائنین انقلاب دیگر به پایان رسیده بود و حتی در آن زمان به - روی شده بود!

یکی از اقدامات غیبا نشینا حکومت سازشکاران مرتجع پس از فتح تهران دستور صلح سلاج دسته های صلح انقلابی بود. با صلح سلاج انقلابیون در واقع جنبش مشروطه از مهمترین تکیه گاه خود محروم گردیدند. این نکرار تاریخ است که هرگاه سازشکاران و فتنون انقلابیون به برکت مبارزات توده ای به حکومت میرسند بلافاصله در مقابل توده ها قد علم میکنند و صلح سلاج عمومی را در دستور قرار میدهند. چنانچه پس از قیام بهمین ما نیز دولت فغفکاری با زنگار ن بلافاصله به صلح سلاج توده های صلح که با قیام مسلحانه خود بنیان بوسیده سلطنت را را زگون کرده بودند اقدام نمود که البته در این کار موفق نشد.

- بدین ترتیب انقلاب مشروطیت ایران عملاً دچار شکست گردید و فئودالها و ملاکان و اشرف و روحانیون مرتجع شرایط را برای کودتای ۱۲۹۹ را فضا ن میریبج فراهم کردند به طوریکه دمکراتی بسیار ناقص و نیم بند حاصل جنبش مشروطیت نیز (که حاصل نتوانی حکومت در سرکوب جنبش بود) برچیده شد و بدین توری فغفکاری رسماً به دور جدیدی از حکومت ارتجاع را پایه گذاری نمود

### درس آموزی از انقلاب مشروطیت

جنبش مشروطیت ایران یکی از جنبشهای با شکوه مدعشودالی - فدا شتعماری خا ورومیا نه بشما میریفت و این جنبش در شرایطی به وقوع پیوست که هنوز طبقه کارگر ایران به بطور محسوس با به عرصه وجود ننگذاشته بود و جنبشهای دهقانی نیز اغلب پراکنده و بدون سازمان ندهی ویرسا مه بطور خود بخودی اتفاق می افتادند. بوزوژی ملی ایران دجا ضعف تاریخی و از رهبری انقلاب بوزوژا - دمکراتیک نتوان بود. اینها همه باعث میشدند تا رهبری مبارزات توده ای بدست روحانیون بزرگ اشرف... که نه تنها هیچ میانهای با انقلاب نداشتند بلکه عمیقاً از گسترش جنبش توده ای دروخت بودند بسیار فتنه. البته در مناطق شمالی ایران، به خصوص در آذربایجان بدلیل تا تریب سزیری از انقلاب ۱۹۰۵ روسیه و نیز بزخا طرجه جرت و رفت و آمدهای جمعیبت زبادی از آذربایجانها بنیها بمنظور کار در کارخانجات و بنا در فغفکار روسیه و در نتیجه انتقال ستن مبارزاتی جنبش کارگری روسیه به ایران وضع بر متوال دیگری بود. در اینگونه مناطق رهران با کفایتی از میان دهقانان و فغفروبا زجمنگشان شهری برخاستند و سازمان رهبری مبارزات توده ای را در دست گرفتند. به خصوص کمونیستهای دلاوری نظیر حد رحما و غلی، علی موسو... که غالباً با انقلابیون روسیه و سایر حزب سوسیال دمکرات کارگری روسیه در ارتباط بودند نتوانستند رهبری جنبش مشروطه در آذربایجان را از کف سازشکاران لیسرا لها اشرفا و روحانیون بزرگ بیرون آورده و توده های مبارزان انقلابی را سازماندهی و هدایت کنند. جنبش مسلحانه و قهرآمیز بر علیه دولت مرکزی اولین بار رویش از هر جا در تبریز قهرمانان جو شد و بعداً توسط ما هوی و آشکارا نشیوه های انقلابی مبارزه با شیوه های فریبتی و سازشکارانه رهران دروختن انقلاب مشروطه نظیر سهپا نی ها و طباطبائیها بقیه در صفحه ۱۵

بقیه از صفحه ۱ فلسطین ...

و امثال او هم می دانند و تکرار می کنند و لیبی خودشان کاری جز سوء استفاده از این قضیه ندارند سیدهدر سرا ما همدارحای آنها جنس اقتصادیکند. اگر به نکات زیر توجه کنیم عمق دروغ تزویر و ربائی که سران جمهوری اسلامی حول قضیه فلسطین برآه اند آنگاه اندوختن روشن می شود:

۱- رورقدس، روز جمعه آخر ماه رمضان، در سال گذشته از سوی آیت الله خمینی پیشنهاد دوبرگزار شدن و هیچ خطی با مبارزات فخریانه خلق فلسطین و ناشی از آن رخ برآورد و چون این خلق دلاوردارند، انتخاب چنین روزی بی دلیل نیست. سران رژیم جمهوری اسلامی عقیده دارند که چون مبارزات خلق فلسطین و انقلاب آن بر مبنای اعلامیت نیست، اصلاً نباید آنرا قبول داشت. توضیح اینکه، انقلاب فلسطین انقلابی است ملی - دموکراتیک و ضد امپریالیستی که میگوید از طریق مبارزه مسلحانه نبوده است، ارتش و قدرت دولتی صهیونیستیهای نژادپرست را درهم شکسته بر سرآوردن آن.

آنطور که خود از سال ۶۸ اعلام کرده اند "جمهوری دموکراتیک فلسطین را که در آن مسیحان و یهودیان و مسلمانان بتوانند آزادانه در کنار یکدیگر زندگی کنند، برپا نماند." از سوی دیگر، در جنبش فلسطین، حتی در خود سال زمان الفتح، عناصر کمونیست هم فعالیت می کنند و سران جمهوری اسلامی با این استراتژی انقلابی موافق نیستند. به همین دلیل رهبران جمهوری اسلامی از انقلاب فلسطین پشتیبانی کامل و عملی نمی کنند و تلاش می کنند که جبهه های فلسطینی و لبنانی را از صحنه ببرد و طرد نماید. آری ما بهیت انقلاب فلسطین، دموکراتیک و ضد امپریالیستی است ولی رژیم ایران، بنا بر ماهیت خود اینرا دوست ندارد! ۲- در پیام آیت الله خمینی بمناسبت "روز قدس" و نیز در پیامی بنی صدر و روحانیت و بهشتی و مباحثه چنان بهمین مناسبت در تلویزیون، اگر توجه کنید کلمه ای از انقلاب فلسطین نمی بینید و همه تا کیدها روی "قدس" بعنوان قبله اول مسلمین و... است.

۳- سران رژیم جمهوری اسلامی از "مردم مسلمان فلسطین" سخن می گویند و این حقیقت تاریخی خلق فلسطین را که کلیه رهبران جنبش مقاومت بودند استثنای آن تا کید کرده اند که در آن سرزمین مسلمانها و مسیحیان و یهودیان زندگی می کنند متکرر می شوند. آقایان خواب یک انقلاب اسلامی "را برای فلسطین می بینند و تکرار می کنند که انقلاب اسلامی را با بدبجهان سوسیال فلسطین "ما در" کرد این خطری است برای وحدت خلق فلسطین که ما با بغا در مقابلاتی نسبت بدان هتاداریم و خود فلسطینی ها از تفرقه بین مسلمانان و مسیحیان فلسطین میمانند. این تفرقه اندازی و مسلمان خواندن یکبارجه خلق فلسطین خدمتی بزرگ به اسرائیل و امپریالیسم امریکانگلی میشود. این توطئه چندبار از سوی برخی نیروهای ارتجاعی منطقه (نظیراخوان المسلمین) ادا من زده شده ولی همواره در نتیجه هتایری خلق فلسطین خنثی گردیده است. فلسطینی ها مبارزه شان برای رها نشی مین رادر چهارچوب وحدت ملی دنبال میکنند ولی سران جمهوری اسلامی که قصدشان دست انداختن بر جنبش فلسطین و با مصلحت "مدور انقلاب اسلامی" است عمداً و بجنون مودبان تفرقه بین مسلمانان و مسیحیان فلسطین را ادا من زده و بدتر از آن، خواسته اند چنین موضعی را به رهبران مقاومت فلسطین تحمیل کنند. البته این کوشش همواره از طرف مسئولین

فلسطینی که به ایران آمده اند رو شده است. هائسی - الحسن، سفیر سابق فلسطین در تهران بارها تا کید نمود که یکی از ویژگی ها و افتخارات خلق فلسطین این است که مسیحیان آن، دوما دوش مسلحانان در برابر اسرائیل لکران مقاومت کرده اند. همچنین سعادت قاسم سوجبی از رهبران و میثولین فلسطین، مسیحی هستند ۴- رهبران جمهوری اسلامی، علی رغم ادعای کمک به فلسطین، امروز کوچکترین کمک مالی یا تسلیحاتی با تسلیحاتی به انقلاب فلسطین نکرده اند. چند ماه پیش روسا هم جمهوری اسلامی در صحنه اول خود با تیزه زدن نوشت: "ایران ۳۰ میلیون دلار به فلسطین کمک کرد!" منافقانه بسیار کم اندکسانی که بداند این خبریکه دروغ بزرگ است، اما حقیقت قضیه چه بود؟

دربگ روسا هم غیر معتبر اما مراتب متحده عربی از قبول با سرعت نقل شده بود که "ایران معواست ۳۰ میلیون دلار به ما کمک کند ولی ما نیز بر قضا می کنیم." ولی دروغنامه جمهوری اسلامی خیرا اینطور نقل کرده بود که ایران ۳۰ میلیون دلار به فلسطین کمک کرد! در یک کلام با بدگفتی که سیاست رژیم ایران در مقابل فلسطین جز سیاست سوء استفاده نیست. دولت جمهوری اسلامی هم مثل دیگر رژیمهای ارتجاعی منطقه برای کسب آبرو و پیش ملت خودش برای مترقی نمائی، فلسطین را وجه المصلحت قرار داده است. هر وقت منفعش با ندادن کمک به فلسطین - البته بدون برسمیت شناختن انقلاب و جنبش فلسطین بلکه بعنوان مسلمانیان آواره و قدس - دم میزدند و تا کید که بغض نیست توجیهی اصلاً قضیه ای بنا بر فلسطین وجود خارجی ندارد. برای نمونه: برای "روز قدس" یا ما یکسده فلسطین چند ما حبه تلویزیونی ترتیب میدهند ولی در ما لگرد انقلاب در جنبشها و منافقانه های ملی و انقلابی فلسطین (نظیر اول ژانویه، سالگرد تبریک کرامه سینا میرسا و... ) بنا می از فلسطین به میان نمی آورند. آخر این منافقانه ملی است نه اسلامی و بنا بر این در جمهوری اسلامی تا پسته دگر تا نیما!

۵- برگزاری "روز قدس" چه در سال گذشته و چه امسال بهانه ای بود برای کشتن مردم به خیابان برای حمایت از رژیم. چرا که هیات ها که میدادند خلفهای ایران از آنها لپایش تا کنون خود را با خلق فلسطین همستگر میدانند و بدون قید و شرط حاضر به کمک بدانها هستند. والا، اگر قصد رژیم، واقعاً حمایت از آزادی فلسطین است چرا با وجود گذشت یکسال و نیم از قیام بهمین ماه روابط با سازمان آزادیبخش فلسطین از حد حرف تجاوز نکرده است؟ و چرا رژیم جمهوری اسلامی بدست چمران به سازمان دست راستی امل آنقدر کمک مالی و تسلیحاتی کرده که امروز این سازمان بصورت خطری برای انقلاب فلسطین - چه بسا بدتر از خطر فائز نیست - های لبنان - درآمده است؟ چرا بجای کشودن

با یکا ههای نظامی و عملیاتی برای فلسطینی ها در ایران، آقای چمران چندین اردوگاه آموزش نظامی برای سازمان امل ترتیب داده تا در لبنان آنها بهتر

بتوانند با فلسطینی ها درگیر شوند و همان نحو لبنان را علیه مقاومت فلسطین سوراخند و در صفت منحدن نیروهای مترقی لبنانی و فلسطینی اختلاف سازند و در تضعیف نیروهای مبارز علیه اسرائیل و دست راستی ها اقدام کنند؟ رژیم ایران آنقدر در حمایت از سازمان امل "خوش را در آورده" که رهبری انقلاب فلسطین علیه رژیم مباحثه کاری هائیش از ایران خواست تا سازمان امل را از خاکباری و درگیری بنا بر نیروهای انقلاب فلسطین مانع شود. ما در شماره های گذشته بیکار، امل و خامان آن در هیات ها کسه ایران را بارها افشا کرده ایم.

از نظر ما و بنده هائی از خلق که نسبت به مسائل سیاسی و ماهیت رژیم آگاهی دارند هائی "روز قدس"

رژیم جمهوری اسلامی در حرف میگوید: می خواهیم "قدس" را آزاد کنیم ولی در عمل از اسرائیل مسلسل بوزی خبرداری می کند. به سده (۱) زیر توجه کنید

بیتوتهانی  
شهر زنده  
بیتوتهانی

شماره  
تاریخ  
پست

لا حقه قانونی جامع به ما، من اعتبار حبه خرید سلاحهای سازمانی مورد نیاز

تجرباتی جدیدی از سلاح ایران

ماده راعده:

بمنظورتا، من سلاحهای سازمانی مورد نیاز شهرتانی جمهوری اسلامی ایران، اجازه داده می شود امتیازی محدود مبلغ چهل و چهار میلیون ریال اول مرتبقت بنده دما می وزارت دفاع ملی تا، من دفتر اعتبار سازمانت تسلیحاتی وزارت دفاع ملی قرار گیرد تا نسبت به سفارش سلاحهای سازمانی از قبیل رولور است و سن و مسلسل بوزی اقدام و به شهرتانی جمهوری اسلامی ایران تحویل داده شود. رب



رئیس جمهور - شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران

(۱) - سده، بوسله "وحدت انقلابی" در یک تراکت منتشر شده است

و "جها دبرای آزادی قدس" از نوع سوا استفاده هائشی است که در گرو رژیمهای ارتجاعی نسبت به قضیه فلسطین اعمال می کنند تا مردم خود را فریب دهند در ایران اسلامی هم با مصلحت "دعوا بر سر لطف مستلا" است "و قدیمی در راه آزادی فلسطین و کمک به انقلاب آن برداشته نمی شود. در پایان این مقاله با یاد آوری میکنیم که ۲۱ مرداد مصادف است با سقوط اردوگاه فلسطینی تل - الزعتر. توده ها و انقلابیون فلسطینی با مقاومت ۷۰ روزه خود در برابر محاصره نیروهای دست راستی فائز نیست و رژیم سوریه، حماسه ای جاودانه در تاریخ خلق فلسطین و کلیه خلفهای تحت ستم و سوار فریبند. هر چه گسترده تر باشد دیوندمان خلفهای ایران و فلسطین

★ ★ ★

کشتن مردم به خیابان برای حمایت از رژیم. چرا که هیات ها که میدادند خلفهای ایران از آنها لپایش تا کنون خود را با خلق فلسطین همستگر میدانند و بدون قید و شرط حاضر به کمک بدانها هستند. والا، اگر قصد رژیم، واقعاً حمایت از آزادی فلسطین است چرا با وجود گذشت یکسال و نیم از قیام بهمین ماه روابط با سازمان آزادیبخش فلسطین از حد حرف تجاوز نکرده است؟ و چرا رژیم جمهوری اسلامی بدست چمران به سازمان دست راستی امل آنقدر کمک مالی و تسلیحاتی کرده که امروز این سازمان بصورت خطری برای انقلاب فلسطین - چه بسا بدتر از خطر فائز نیست - های لبنان - درآمده است؟ چرا بجای کشودن

با یکا ههای نظامی و عملیاتی برای فلسطینی ها در ایران، آقای چمران چندین اردوگاه آموزش نظامی برای سازمان امل ترتیب داده تا در لبنان آنها بهتر

کشتن مردم به خیابان برای حمایت از رژیم. چرا که هیات ها که میدادند خلفهای ایران از آنها لپایش تا کنون خود را با خلق فلسطین همستگر میدانند و بدون قید و شرط حاضر به کمک بدانها هستند. والا، اگر قصد رژیم، واقعاً حمایت از آزادی فلسطین است چرا با وجود گذشت یکسال و نیم از قیام بهمین ماه روابط با سازمان آزادیبخش فلسطین از حد حرف تجاوز نکرده است؟ و چرا رژیم جمهوری اسلامی بدست چمران به سازمان دست راستی امل آنقدر کمک مالی و تسلیحاتی کرده که امروز این سازمان بصورت خطری برای انقلاب فلسطین - چه بسا بدتر از خطر فائز نیست - های لبنان - درآمده است؟ چرا بجای کشودن

با یکا ههای نظامی و عملیاتی برای فلسطینی ها در ایران، آقای چمران چندین اردوگاه آموزش نظامی برای سازمان امل ترتیب داده تا در لبنان آنها بهتر



## سرمایه‌گذارهای...

یکی از نخبه‌مطورشوریک و بگری از لحاظ واقعیت اقتصادی خاکم پرشوروی .

## چرا سوسیال امپریالیسم

### به سرمایه خارجی روی می آورد؟

روزیونیستها! از جمله خروچف و بیزنرف در تحریفات بورژواشی از سوسالیسم علمی و با انکاء به ترس و مدام رکستی و اکونومیستی نیروهای مولده چنین وانمود می‌کنند که گویا سوسالیسم یعنی تولید بیشتر و با حتما سوسالیسم یعنی تا مین رفیاه مادی مردم به همین لحاظ روزیونیستها مبارزه سوسالیسم علیه سرمایه‌داری و امپریالیسم را به "رفایت اقتصادی" مناسبت آید "تقلیل مدهندوسر" اساس این تحلیل ضدما رکستی و روزیونیستی نقش تاریخی پرولتاریا را بناگرم به تولید بیشتر و رشد نیروهای مولده محدود می‌زند. نقش تاریخی پرولتاریا عبارت است از استقرا رکونوسیم و جا معه بدون طبقات، لیکن پرواضح است که این امر فقط به انکا تولید بیشتر میسر نخواهد شد. جا معه کمونیستی احتیاج به تدارکی همه‌جا نبه یعنی تا بودی کلیه مناسبات زیربناشی و روبناشی که در دست مناسبات اجتماعی که فقط از طریق تولید بیشتر از زمین نخواهد رفت، این مناسبات با انکا به مبارزه طبقاتی و دگرگونی انقلابی و مدام مناسبات پوسیده از زمین میزوند. این مناسبات و آثار روبناشی که به انکا به سیج طبقه‌کارگرو انقلاب فرهنگی تحت دیکتاتور پرولتاریا از زمین خواهد رفت. روشن است که بدون تولید کمونیسم نمیتوانند برقرار شود، ولی مسئله این است که تولید بیشتر به تنهایی به چه وجه نمیتواند جا معه بسوی کمونیسم رهنمون گرداند.

روزیونیستها رابطه دیالکتیک نیروهای مولده و مناسبات تولیدی و نیز زیربنا و روبنا را نمی بینند آنان در دوران سوسالیسم مبارزه پرولتاریا را فقط در جهت تولید بیشتر از زمین می‌کنند و سوسالیسم را فقط اساسی مبارزه طبقاتی و مبارزه دیالکتیکی پرولتاریا می‌دانند و مبارزه دیالکتیکی پرولتاریا را با افکار بورژواشی و ضدما رکستی خود چنین وانمود می‌کنند که زمین رفتن طبقات و برفقرازی کمونیسم منوط به رشد نیروهای تولیدی است، حال آنکه این تحریف آشکارا رکسیمیست است. در جا معه سوسالیسم، محور مبارزه طبقاتی است و تولید سوسالیسمی به انکا گسترش مبارزه طبقاتی و مبارزه علیه بقای نیروهای که مناسبات اجتماعی میرنده امکا نپذیرد است و پرواضح است که تمام این وظایف فقط تحت دیکتاتور انقلابی پرولتاریا ممکن خواهد بود.

حال آنکه ما میدانیم به قدرت رسیدن روزیونیستهای مترد خروچفی - بیزنرفی، آنان با طرح تیز ارتجاعی "دولت تمام خلقی" دیکتاتور پرولتاریا را بنا بود کردند و چنین اعلام داشتند که برای برقراری کمونیسم باید هر چه بیشتر به تولید پرداخته و با بهره‌برداری وسیع به "ایجاد دنیا دما دی و فنی کمونیسم" دست بازید. روزیونیستهای خیا ننگار در شرایطی که جا معه سوسالیسمی شوروی گرفتار رخداهای طبقاتی

(۱) - به نقل از گزارش بیزنرف به هیئت پنجمین کنگره حزب روزیونیست اتحاد شوروی .

بود و مناسبات اجتماعی و تولیدی که هنوز به زندگی خود ادامه میدادند و بدولت شوروی، فرهنگ، افکار، عادات که در میان طبقه و نوده‌ها جریان داشتند دیکتاتور پرولتاریا را نمی‌گردد و هرگونه مبارزه طبقاتی را مغایر با حتما سوسالیسم تلقی کردند و وظیفه مرکزی طبقه را "تولید بیشتر" جهت برقراری کمونیسم کاذب خود قرار دادند.

در حقیقت روزیونیستهای خاش با نفی و نابودی دیکتاتور پرولتاریا با نفی مبارزه طبقاتی در جا معه سوسالیسمی کوشیدند تا دیکتاتور پرولتاریا را رجا می‌خوردند از چشم‌نورده‌ها پنهان کرده و جا معه را با سرعت هر چه تمامتر در جهت برقراری و استحکام مناسبات بورژواشی و سرمایه‌داری سوق دهند. آنان قوانین اقتصاد سوسالیسمی را به دور انداخته مضمون سوسالیسمی برینا مهریزی دولتی را بنا بود کرده، اقتصاد را برینا به مکناسیم را و در جهت گسترش

نظامی شدن اقتصاد جهت فروش اسلحه و مساباس تسلیماتی در صدور سرمایه و تجارت کشورهای دیگر... مناهده نمود. اقتصاد دکتور پرولتاریا یک اقتصاد امپریالیسمی میلیتاریزمی با شدتجوی که بودجه نظامی آن یک سوم کل بودجه ملیا می‌باشد و این رقم برابر با ۲۰٪ درآمد ملی شوروی است. (۲) با بدافزود که در سال ۱۹۷۹ بودجه نظامی ملیا به شوروی به ۱۳۰ میلیار دلار بالغ میشود. (۳) بنا بر این حاکمیت قوانین سرمایه‌داری بر اقتصاد شوروی و حطت ملیا - ریزه بودن آن متحرکه عوارض منفی و معطلات فراوانی میگردد. سنگینی و وسیع سرمایه‌گذارها و تکنیک موجود در این بخش و بخشهای غیر تولیدی دیگر و نیز استعمار توسط طبقه حاکم متحرکه آن میگردد تا بحران اقتصادی افزایش یابد. بعنوان نمونه در طی هشتمین برینا مهینجا له اقتصاد (۱۹۷۰ - ۱۹۶۶) فقط ۲۰٪ سرمایه‌گذارها بیشینت شده برای صنایع کالاهای مصرفی تا مین

- روزیونیستها رابطه دیالکتیک نیروهای مولده و مناسبات تولیدی و نیز زیربنا و روبنا را نمی بینند. آنان در دوران سوسالیسم مبارزه پرولتاریا را فقط در جهت تولید بیشتر از زمین می‌کنند و سوسالیسم را فقط اساسی مبارزه طبقاتی و مبارزه دیالکتیکی پرولتاریا می‌دانند و مبارزه دیالکتیکی پرولتاریا را با افکار بورژواشی و ضدما رکستی خود چنین وانمود می‌کنند که زمین رفتن طبقات و برفقرازی کمونیسم منوط به رشد نیروهای تولیدی است، حال آنکه این تحریف آشکارا رکسیمیست است. در جا معه سوسالیسم، محور مبارزه طبقاتی و تولید سوسالیسمی به انکا گسترش مبارزه طبقاتی و مبارزه علیه بقای نیروهای که مناسبات اجتماعی میرنده امکا نپذیرد است و پرواضح است که تمام این وظایف فقط تحت دیکتاتور انقلابی پرولتاریا ممکن خواهد بود.

حوزه قانون ارزش و منادله کالای استوار نمودند و اصل "سودآوری" سرمایه‌داری را حاکم بر اقتصاد کشور ساختند. در واقع روزیونیستهای خاش مناسبات سوسالیسمی و رنده همگون نیروهای مولده را به حکم مناسبات سرمایه‌داری سپردند. آنان برای این امر تنها به سیج نیروهای بورژواشی داخل کشور همت گماشتند بلکه همچنین تکنولوژی و سرمایه و امخارجی را و شیخه رند سرمایه‌داری در شوروی قرار دادند. روزیونیستها به انکا دید ضدما رکستی و اکونومیستی خود را توجه به نیازهای رشد سرمایه‌داری در شوروی نه تنها قوانین اقتصاد دیورژواشی را بطور کامل حاکم بر اقتصاد نمودند، بلکه علاوه به سوی امپریالیسمی دست نیاز زدند و از کردند. زیرا از زمان حاکمیت بورژوازی نوین اقتصاد شوروی تغییر ماهیت داده و دیگر نمی‌توانست در جهت برآورد مناسبات خاش نیازهای همه‌جا نبه طبقه کارگرو نوده‌ها حرکت کند. این اقتصاد از آنجا که با اصل "سودآوری" هر چه بیشتر "بهرگردد درآمد" مده بود نمیتوانست به تنهایی تدارک درونی و برفقرازی نیازها سد اصل سرمایه‌داری را به "سود هر چه بیشتر" رشته‌های تولیدی را به سمتی سوق میداد که "سود هر چه بیشتر" تا مین شود. بورژوازی نوین دیگر به نیازهای پرولتاریا و ضرورتهای خاش حتما سوسالیسم نمی‌اندیشد، او در پی کسب سود هر چه بیشتر بود و با طبع این امر سرمایه‌گذارها را به سوی رشته‌های تولیدی و غیر تولیدی سودآور میکشاند.

گردید و با نرخ رشد تولید کالاهای مصرفی که بر اساس نهمین برینا مهینجا له اقتصاد می‌بایست در ۱۹۷۳ به رقم ۸/۱٪ برسد به رقم ۴/۵٪ نزول پیدا کرد. در زمینه کثارت و رزی نهمین برینا مهینجا له مقرر شده فقط ۷۶٪ کل سرمایه‌گذارها را مورد نیاز تا مین نمود و به همین خاطر سوسالیسم امپریالیسم مجبور گردید تا در سال ۱۹۷۴ بیست میلیون تن غلات بمبلغ ۲ میلیارد دلار از آمریکا، کانادا و استرالیا خریداری نماید و در طی همان سال مجبور شد تا ۲۰۰۰۰۰ تن گرده از اروپا وارد کند (۴).

یکی دیگر از عوارض اقتصاد دیکتاتور پرولتاریا و حطت نظامی بودن آن و خیم شدن انواع مالی این کشور می‌باشد. استعمار و غارت طبقه کارم، هزینه‌های سنگینی غیر تولیدی و مخارج وسیع امور تسلیماتی سوسالیسم شوروی فرا ترا ظرفیت اقتصاد آن است و همین خاطر با عدم بریدن زرف مجبور میگردد تا نزد امپریالیسمی دیگر دست‌گذاشتی دراز کند و او را اعتبار و تکنولوژی خود آنها را به کمک خود بگیرد سوسالیسم شوروی در عین حال که به کشورهای دیگر سرمایه‌داری میکند و با رت خلقهای تحت ستمی پردازد، خود نیز بدلیل فوق سرمایه‌ها و وامهای خارجی را دریافت میکند. اگر بدهی خارجی شوروی در سال ۱۹۷۵ به ۸ میلیارد دلار میرسد در حال حاضر این رقم به ۱۲ میلیارد دلار بالغ میشود. علاوه

تبدیل شوروی روزیونیستی به یک کشور سوسالیسم امپریالیسمی نمیتوانست به تشدید بحرانهای اقتصادی آن نیازمند. لنین میگوید: "امپریالیسم سرمایه‌داری طفیلی و گندیده است." (۱) امپریالیسم و اشعاب در سوسالیسم سرمایه‌داری در دوران امپریالیسم بنا بر ماهیت ارتجاعی خود دیگر نمیتوانند رشد و شکوفایی همه‌جا نبه نیروهای مولده را تا مین نماید و علاوه بر این از هر زمان دیگر طفیلی‌گری درونی سیستم را ابعاد گسترده‌ای میبخشد. انعکاس این گندیدگی را از جمله میتوان در گسترش بخشهای غیر تولیدی اقتصاد دیکتاتور پرولتاریا، در میلیتاریزم

(۲) - منبع آمار: "اسناد جنبش کمونیستی بین‌المللی" ژانویه، فوریه ۱۹۷۶، شماره ۷ چاپ فرانسه.  
(۳) - منبع آمار: مجله "آلبانی" امروز ۱۹۷۹  
(۴) - منبع آمار: "اسناد جنبش...، علاوه به یاد افشا کرده که بر اساس آمار مجله "آلبانی" امروز (مورخه ۱۹۷۹ (۴۶) شماره ۳) شوروی از آمریکا و کانادا طی سال ۱۹۷۸ - ۱۹۷۷ به میزان ۱۲٪ غلات و طی سال ۱۹۷۸ - ۱۹۷۷ به میزان ۱۵ میلیون تن غلات وارد کرده است. این واقعیت ادا مه بحران کثارت و رزی در این کشور را به نمایش میکشاند.

کسر موازنه تجارت ثوروی با کشورهای امیربالیستی غرب با آهنگ زیادی توسعه می یابد. سنخوی که آگس دریا با ن سال ۱۹۷۷ این کسری بود که برابر ۱/۵ میلیارد دلار بود این رقم در سال ۱۹۷۸ به ۳/۴ میلیارد دلار رسید و پیش بینی می شود مبلغ ۲/۸ میلیارد دلار دیگر به رقم اخیر اضافه گردد. (۵)

**سرمایه های آمریکایی در اقتصاد ثوروی**

واقعیت های فوق نه تنها بیان این حقیقت است که سوسالیسم در این کشور بنا نهاده است، بلکه علاوه بر این مطلب را روشن می سازد که اقتصاد ثوروی گرفتار یک بحران اقتصادی می باشد. رویزونیست ها بدو جهت از شکوفائی "اقتصادی" ثوروی می نمایند و در آمدن کمونیسم غرور تجفی را اعلام می دارند. لیکن واقعیتها نشان می دهد که این "شکوفائی" همان اقتصاد سرمایه داری بحران زده است و این "کمونیسم" همان مهمتها مشتاقان سرمایه داری می باشد. امروز سوسال امیربالیستی ثوروی علیه سرمایه داری تدارک "مادی و حقی" کمونیسم "حرف میزنند مجبورند دست گدائی بسوی امیربالیستی دراز کنند، زیرا این "تدارک" کمونیسم "فرضی" بیش نیست. آنان که دیگت ثوروی پرولناریا و با ختمان سوسالیسم در ثوروی یعنی و استالینی را بنا نهاده اند، آنان که امروز گرفتار مشکلات اقتصادی اجتماعی گوناگون بوده و در همین حال در پی رقابت های تبلیغاتی و جنگ افروزیانه بیشتر می یابند به درگاه امیربالیستی یجا نخواهد رفت و آرزو شده اند و این امیربالیستی علیه تمامیتها پیمان با سوسال امیربالیسم آنان اطمینان خاطر را دارند که سرمایه های سودا و خود را در ثوروی به گردش در آورند. در حال حاضر سرمایه های آمریکا، ژاپنی و اروپائی در بخش های مختلف حیات اقتصادی ثوروی در گردش می باشد و طبقه کارگر و دیگر صنعتکاران ثوروی علاوه بر آنکه توسط بورژوازی حاکم مستشار می شوند توسط امیربالیستی دیگر نیز غارت میگردند. حال ببینیم نمونه های از این غارت توسط امیربالیسم چنانچه در آمریکا کدامند؟

سوسال امیربالیستی ثوروی با او اعتبار امیربالیستیهای آمریکا که در KAMA (یکی از شهرهای ثوروی) یک کارخانه تومبیل سازی به ارزش ۱ میلیارد ۶۰۰ میلیون دلار ساخته اند. در ۱۹۷۳ موسسات امیربالیستی آمریکا یعنی بنا به نام "El Pasagos Occidental petroleum" و "company" در مسکو قرارداد ایضا نمودند که بر طبق آن در سبیری جهت یک خط لوله گاز سرمایه گذاری نمایند. این سرمایه گذاری به ۲ میلیارد دلار میرسد و این لوله گاز ۳۰۰۰ کیلومتری گاز "یا کوتی" Yakoutie را

بمدت ۲۵ سال تا مین میسازد. بنا به گفته مجله "لیانی امروز" (مورخه ۱۹۷۹-۴۶)، شمار ۳۰۰ در حال حاضر ۸۰ شرکت آمریکا در بخش های تولیدی اقتصاد ثوروی فعالیت می کنند. علاوه بر این یک شرکت آمریکا برای تولید نوما نیزه صنعت اتومبیل یک قرارداد با ثوروی امضا کرده است که مبلغ این قرارداد به ۲۷ میلیارد دلار میرسد و نیز همین شرکت برای ایجاد یک کارخانه جهت تولید اتومبیل در "الکمر" (با چکستان) مبلغ ۲۰۰ میلیون دلار سرمایه گذاری نموده است.

(۵) - ارقام از "لیانی امروز" همان شماره

سرمایه های امیربالیستی غرب در پی نفوذ هر چه بیشتر در ثوروی می باشد وجود تسهیلات و امکانات مناسب برای سرمایه های خارجی آنان را تشویق می نماید در رشته های متعدد در آنجا دگم کرده ای سرمایه گذاری نمایند. برای رسیدن به این هدف سوسال امیربالیستیها جداگانه تسهیلات را فراهم ساخته اند اما امیربالیستیها دیگر به استناد روحانیان طبقاتی که در گذشته ثوروی را زده اند، در همین ارتباط با بدگمت که در حال حاضر رویزونیستی ثوروی برای ۲۸ پروژه جدید سرمایه های خارجی رجوع کرده اند. از جمله برای مجتمع پتروشیمی Tamsk سرمایه داران جهانخوا را آمریکا بسوسال

- رویزونیست ها به آنکه "دیدند مارکسیستی و اکونومیستی خود را با توجه به نیازهای رشد سرمایه داری در ثوروی نه تنها قوانین اقتصاد بورژوازی را بطور فعال حاکم بر اقتصاد نمودند، بلکه علاوه بر سوسالیسم امیربالیستی دست نیاز دراز کردند.
- آری، ثوروی استالین بدین وام و سرمایه امیربالیستی اقتصاد سوسالیستی نیرومند را تیار کرد و لیس ثوروی برزف خاکن در پی آنست تا با آنکه "هوا و سرمایه های امیربالیستی کمونیسم (!)" را بریارد.

ندنا ۱ میلیارد دلار سرمایه گذاری نمایند. اضافه که دولت مدخلی ثوروی جهت تولید اتومبیل با شرکت آمریکائی Corporation Occidental petroleum قرارداد ایضا منعقد نموده که بر طبق آن سرمایه گذاری این شرکت به ارزش حدوداً ۲۰۰ میلیون دلار می رسد. و نیز ۷۷ شرکت آمریکا جهت استخراج گاز طبیعی منطقه "اورانگو" (Urengo) سرمایه گذاری نموده اند و متعهد شده اند تا مجموعه عملیات استخراج نفتا استخراجا بعهده بگیرند. (منبع آمار و ارقام همانجا)



موارد فوق به روشنی نشان می دهد که سوسال امیربالیسم ثوروی در قبال سرمایه های خارجی سیاست درهای باز اتخاذ کرده است. سوسال امیربالیستی تبلیغات رویزونیستی و عوام فریبانه ای مبنی بر "تدارک پایه های کمونیسم" برآوردند. حال آنکه ایس تبلیغات دروغ بیشتر به ای ستن نیست. "کمونیستی" که با تکنولوژی و سرمایه های امیربالیستی بریسا میگردند، نه کمونیسم راستین بلکه کمونیسم دروغین است. در زمان رفیق استالین بریسا به سرمایه های اقتصادی سوسالیستی، با ختمان سوسالیسم پیروز میگردند. به پیش رفتن این امر بزرگ زمانی صورت می گرفت که ثوروی علاوه بر اینکه تنها کشور سوسالیستی وقت بوده و هنوز از لحاظ بندسروای سولیدی و تکنیک پیشرفته نبود، از هرگونه وابستگی خارجی نیز محروم بود.

در تاریخچه مختصر حزب بلشویک در باره ختمان سوسالیسم وضعیتی کردن سوسالیستی ثوروی چنین می آید: "معلم است که چنین با ختمان استالینی بزرگ بدون صرف میلیاردها پول امکان پذیر نبود. سرمایه های خارجی مستشاران مدیست... کشورهای سرمایه دار در این معمولاً صنایع سنگین خود را به حساب وارد کردن سرمایه از خارج یعنی سوسالیسم عارت مستعجاب، سوسالیسم احداثات جنگی از ملل مغلوب و سوسالیسمهای خارجی تا سبب می نمودند. کشور ثورواها اصولاً نمی توانست برای بدست آوردن وسایل صنعتی کردن کشور به این گونه منابع چرکین مانند غارت ملل مستعرب یا مغلوب متوسل شود اما موضوع و امهائی خارجی، این منبع برای احداث ثوروی بسته بود، زیرا که کشورهای سرمایه داران و امهائی و امهائی امتناع داشتند. میبایستی این وسایل را در درون کشور فراهم ساخت. این وسایل در احداث ثوروی فراهم شد، در احداث ثوروی چنان منابع

متراکمی پیدا شد که در هیچ یک از کشورهای سرمایه داری نظیر آن دیده نشده است. بدین ترتیب می بینیم که پرولناریا ثوروی با آنکه به نیروی خود و تحت رهبری بلشویکها و رفیق استالین، کثارت و صنعت مدرن و تکنیک جدید را توسعه داده و با آنکه با امکانات و منابع بلی تولید و اقتصاد شکوفائی سوسالیستی را مستحکم ساختند پرولناریا تحت هدایت حزب بلشویک با آنکه به دیگت ثوروی پرولناریائی روسه را از ثوروی عقب مانده ثوروی مستقل و بیرومند، کشور با آهنگ اقتصادی پر قدرت و ثوروی سوسالیستی و پیروزمند تبدیل نمود. آری ثوروی استالین بدون وام و سرمایه

- رویزونیست ها به آنکه "دیدند مارکسیستی و اکونومیستی خود را با توجه به نیازهای رشد سرمایه داری در ثوروی نه تنها قوانین اقتصاد بورژوازی را بطور فعال حاکم بر اقتصاد نمودند، بلکه علاوه بر سوسالیسم امیربالیستی دست نیاز دراز کردند.
- آری، ثوروی استالین بدین وام و سرمایه امیربالیستی اقتصاد سوسالیستی نیرومند را تیار کرد و لیس ثوروی برزف خاکن در پی آنست تا با آنکه "هوا و سرمایه های امیربالیستی کمونیسم (!)" را بریارد.

امیربالیستی اقتصاد سوسالیستی نیرومند را تیار کرد. ولی ثوروی برزف خاکن در پی آنست تا با آنکه "هوا و سرمایه های امیربالیستی کمونیسم (!)" را بریارد. آری آنچه با بدیروزف ادعای آنرا در در حقیقت کمونیسم بلکه بیشتر در سرمایه داری و امیربالیسم است. و بر واضح که پدیده های ما نیست سرمایه گذاری خارجی بحران ثوروی... ناشی از همین واقعیت است.

کسانی که ادعا دارند که ثوروی یک کشور "سوسالیستی" است باید بگویند که آن در ثوروی بحران در کثارت و صنعت، در اموریالی پدیده های انگاف می باشد؟ آیا سرمایه گذاری امیربالیستی امیری انگاف و منابعی شمار می آید؟ بهنچوجه این پدیده ها معلول تک واقعیتی می باشد. این واقعیت عبارت است از حاکمیت بورژوازی و وجود امیربالیستی امیربالیستی در ثوروی. بحران در اقتصاد ثوروی

معلول ما بهیست بورژوازی اقتصادی حاکم می باشد. این واقعیتی است که با صدای رسا باید بیان داشت. برای پرولناریائی جهانی حاکمیت رویزونیسم و ثوروی دیگت ثوروی پرولناریا در ثوروی فریبدهای بزرگ بود ولی امروزه در باره این واقعیت سوسالیسم امیربالیسم قرار گرفته ام پرولناریا و تمام سوسالیستی راستین باید بگویند چهره واقعی آن را بر ملا نمایند. رویزونیست ها و حمله حزب تسوده خاکن و سازمان چریکهای فدائی خلق (اکثریت) و نیز جریانهای تند تند مترزیزل در باره رویزونیسم ما نیست "راه کارگر" میگویند و واقعیتها را در کنگره جلوه دهد و سوسال امیربالیسم را سوسالیسم حساب برسد. این تبلیغات بر ضد پرولناریا و انقلاب پرولناریائی می باشد. این تبلیغات آب به آتش است نه تنها رویزونیست های ثوروی بلکه امیربالیسم و انجاع جهانی نیز میسرند. مترخمن و رویزونیست ها، سوسال امیربالیسم را نمائند که سوسالیسم جلوه داده و بدین طریق می گویند در پرولناریا و چکستان جهان نیست به سوسالیسم طلب ایضا دگمت، ولی سوسالیسمت ایستت های جهان و در اینجا کمونیستی میهن ما نباید صدای رسا حقیقت را اعلام کند آنها باید با تمام نیرو بگویند که ثوروی امروز یک کشور سوسالیستی نیست و برای سوسالیسم بهنچگونه سرمایه داری باقی نمانده است.

# مصاحبه با رفیق نواب حق شناس پیرامون یابوهای شیخ محمد منتظری

حق شناس: "محمد منتظری با فحاشی به من، درماندگی خود و طبقه و ایدئولوژی رانسان میدهد"

مجله "تپانقلاب" ارگان "سپاه پاسداران مورخه ۷ مرداد جاری بر اساس وظیفه‌ای که در خدمت دشمنان خلق دارد با برخی از "نودولتان" جمهوری اسلامی منجمله شیخ محمد منتظری به "مصاحبه" نشسته و علیه سازمان مجاهدین خلق ایران و نیروهای انقلابی کمونیست به نشر فحاشی و اتهامات سراپا دروغ پرداخته است. اقدام این آقایان حلقه‌ای است از سلسله توطئه‌ها که بورژواها و خرده بورژواهای عقب مانده و فدا نگلای برای سرکوب نیروهای انقلابی و کارگران و زحمتکشان میهن ما تدارک می بینند. وجود مجاهدین خلق و نیروهای انقلابی جنبش کمونیستی برای قدرت حاکم مبنای باخاری در چشم و استخوانی در گلو است و بدجوری حضرات را به سرفه‌ای خلفا و آورگشا نهاده است. آخر، خوردن این نیروها سهل نیست. این لقمه گلوگیر است و از همان نرسدای تمام، بورژواها و خرده بورژواهای بقدرت رسیده راه ناپودی تهدید کرده است. آنها دیوانه‌وار در کردستان و ترکمن صحرا و غوزستان، در کارخانه‌ها و دانشگاه‌ها و خوابگاه‌ها نیروهای انقلابی را مورد بی‌شرفی قرار داده. اندوخلی غالباً نتیجه محکومی گرفته اند. مصلاددمتنی آنها بلای جان نشان خواهد شد. سزایز نیروهای انقلابی، زحمتکشان و توده‌های آگاه شده خلق را با سرکوب و زور و فریب نمیتوان از میدان بدر کرد. ما به پیروزی توده‌های زحمتکش، اطمینان کامل داریم چرا که این حکم تاریخ و منیا زده طبقه‌ای است.

از روز چهارم منبر ما که آیت الله خمینی طی یک سخنرانی صریح ترا پیش مجاهدین خلق را مورد اتهام قرار داد و وحشت رژیم ما کمر را از شد روزافزون نیروهای انقلابی "تیشتر" آتش کرد. حمله به نیروهای انقلابی و نشا رسیل نهضت و دروغ‌های و قبحا نه به کمونیستها و انقلابیون خستگی ناپذیرا لهای فحشان افزونتر گشت. هر کسی که در سالهای قبل به سوراخ خزیده بود، هر حقیر کج و بیلاکتی و هر خرده بورژوا محافظه کاری که در نتیجه آگامی و توهمات توده‌ها اکنون به قدرت خزیده است سرا بلند کرده و برای کوبیدن شیخ "انقلابیگری" خود لجنی را به سوی کمونیستها و مجاهدین خلق پرتاب میکند. اما مگر میشود حقیقت را با دروغ و لجن پوشاند؟

آقای شیخ محمد منتظری، عزیز در دانه جمهوری اسلامی، ولیعهدزاده محترم ولایت فقیه، هفت تیرکش روزهای پس از قیام، که چون عضو شورای مرکزی حزب حاکم و فرزند فقیه علی بقدر سودا زهر گونه تعرضی در جمهوری اسلامی و جامعه "عدل علی" نمون ما ندو فقط از سوی پدر خویش به داشتن اختلال حواس روانی نبودن موصوف گشت (۱) و امروز بر کرسی نمایندگی مجلس شورای اسلامی - که نامی است شایسته و آرا نشان

(۱) - البته آقایان حاضر نیستند حکم این "قضیه" را که "ولایت" هم در مورد خودشان اجرا کنند و شیخ محمد را سفیه و دیوانه بنامند و آرتند. آخر ما هیئت مبشینی بر تبعیضی دادگاه ویژه معینان و حکام "خلع لیا سن" سوز" پیشینه تاریخی این نظام اسلامی است و چگون داغ تنگ سر پیشانی این رژیم می ماند.

با داد - تکیه زده است. مصاحبه‌ای با مجله سپاه پاسداران ترتیب داده و طی آن هرچندی که بر زبانش آمده، فارغ از ذره‌ای حیا و بددور از یک جوانماف و پاکینه طبقه‌ای خودنشان را زمان مجاهدین و رفیق نواب حق شناس (که چندین سال بر اساس موضع طبقاتی و پیشین سابق خود عضویت آن سازمان را دارا بوده) نموده است. شایده برای برخی عجیب بنما بد که چطور کسی که این چنین "طلوه بر محراب و منبر میکنند" و پیوسته از اخلاق و صدق و راستگویی حرف میزنند و در مذمت دروغ - گوئی و شهامت داد سخن میدهند وقتی پای عمل پیش میاید در دست خلاف آن رفتار میکنند، اما بنظر ما عجب نیست زیرا اخلاق محتوای طبقاتی دارد. سرما به داران و خرده بورژواها پس از تکب قدرت، جاه خواهی از جای بس ندارند که بیکیا رهت نام مول و معا هم اخلاقی را که تاکنون از آن دم میزدند، در راه حفظ منافع طبقاتشان زیر پا بگذارند و دست خود را بسش از بسش رو کنند.

سرای خلق باز گوید. اینک آن مصاحبه: سوال: رفیق شما بنظر که اطلاع دارید در چا رجوب حمله ارتجاع به نیروهای انقلابی و کمونیستی، مجله سپاه پاسداران، مصاحبه‌ای با شیخ محمد منتظری ترتیب داده‌وا و در صحبتها ی خود انها ما ت زیاد ی را شنوا و ما حدین زده است. لطفا روابط خود با سازمان مجاهدین خلق را در سالهای گذشته و روابطی که در نجف با آیت الله - خمینی و برخی از ظلاب مبارزان سالها داشته‌اید برای خوانندگان ما توضیح دهید. جواب: چون هدف از این حملات و یابیکا طبقه‌ای حمله کنندگان و ما هشتان و وحشتی که از رشد نیروهای کمونیستی و انقلابی دارن با رها از طرف سازمان و در هفته نامه "پیکار" نبحث شده، بهتر است بدون مقدمه به پاسخ سئوالات شما بپردازم:

- چرا آقای منتظری وعده ای دیگر از به اصطلاح روحانیون مبارز سالهای گذشته، از مجاهدین و حتی کمونیستها پشتیبانی میکردند ولی حالا که بقدرت رسیده اند اینقدر روحیانه پاپوش می‌دوزند، لجن پراکنی می‌کنند و دروغ می‌فانند و شهامت می‌زنند؟
- هر کسی که در سالهای قبل به سوراخ خزیده بود، هر حقیر کج و بیلاکتی و هر خرده بورژوا محافظه کاری که در نتیجه نا آگاهی و توهمات توده‌ها، اکنون به قدرت خزیده است سرا بلند کرده و برای کوبیدن شیخ "انقلابیگری" خود لجنی را به سوی کمونیستها و مجاهدین خلق پرتاب می‌کند. اما مگر می‌شود حقیقت را با دروغ و لجن پوشاند؟

بدنیال نطق ضد کمونیستی و صریحا ضد مجاهدین "آیت الله خمینی در چا رجوب تیر ما گذشته که جزئی از بسش تبه وسیع هیات حاکمه برای سرکوب کمونیستها و دیگر نیروهای انقلابی بود، بسیاری فرمت را غنیمت شمرده کوشیدند با حمله و انشام و دروغ هر چه بزرگتر گوی سبقت را در خدمت به دشمنان انقلاب و میریالیسم آمریکا از یکدیگر بر سیرا بسند. علاوه بر روزها ما جمهوری اسلامی که چنین موصوف گریها "افتضای طبیعتش" میباید آقای دعا شی سر برزت فعلی روزها ما اطلاعات، هاشمی رفسنجانی، آیت الله ربانی و آیت الله منتظری و متکینی و با لآخره شیخ محمد منتظری هر یک به فراخور موقعیت خویش در این کارزار ارتجاعی شرکت جستند و انها ما ت دروغها و تحریفات آن با رها و بارها از را دیو و تلویزیون، بخش و در مطبوعات درج گردید. در پاسخ به سخنان آیت الله خمینی و تحریفات آشکاری که علیه نیروهای و انقلابی، مجاهدین خلق و بویژه دونفر از رفقای ما (حسین روحانی و نواب حق شناس) که در سال ۵۷ معینان نما بنندگان ما ز سازمان مجاهدین خلق ایران در نجف با آیت الله تماش گرفته بودند وجود داشت. ما پاسخ مفعلی تهیه کردیم که مقدمه آن در پیکار ۶۱ چاپ شد و ادا ما ت بغا طریخی گرفتار رها و نکالات فنی به تا خیر افتاد.

اخیرا شیخ محمد منتظری هب- همان بنظر که در ابتدای این سخن گفتیم- در مصاحبه‌ای با مجله سپاه پاسداران مورخه ۷ مرداد - به یاب و کوشیهای و قبحا نه ای پرداخته و منخفا رفیق نواب حق شناس را مورد حمله‌های نا جا نمرده خود قرار داده است. در این باره با رفیق به مصاحبه نشستیم تا حقیقت قفا با را

سال در سازمان مجاهدین خلق ایران گذشته است (از اواسط سالهای ۴۰ تا سال ۵۴). من بر اساس موضع طبقاتی و ایدئولوژیکی خود در آن سالها در آن سازمان فعالیت داشتم و بعدا بر اساس تجارب فکری و عملی که در کوران مبارزه روبا روی علیه امپریالیسم و رژیم شاه داشن اندوخته بودم همراه با تعداد قابل توجهی از رفقا مارکسیسم لنینیسم را پذیرا شدم. در یک دوره، ما مبارزه انقلابی خود علیه امپریالیسم و بسدیکتا توری سلطنتی را در قالب ایدئولوژی مجاهدین که بر دایته‌های مترقیانه‌ای را از فرهنگ اسلامی ارائه میدادیم و متنش قابل تبیین میدیدیم و هنگامیکه به نکالات آن بسش و ضعفها بسش بی بردیم چون سنگیری قطعی بسسوی پرولتاریا داشتم و هدف ما مبارزه بیروز علییه امپریالیسم و رها شی زحمتکشان بسبزه طبقه کارگربود تردیدی در کنار گذاشتن پیشین گذشته و قبول مارکسیسم لنینیسم نکردیم. من به چنین تحولی در سربسار زانی بخش مهمی از اعضای سازمان (منجمله خودم) افتخار میکنم. من آنکه بیروزیمها و برخی اشتباهات را که در جریان آن تحول در این بخش بسسوی پیوست بخوام نادیده بگیرم، تحلیل و نقد آن جریان با رها از جانب سازمان ما (پیکار) - هر چند مختصرا اعلام و منتشر شده است - من گوشه‌هایی از روابط سازمان مجاهدین خلق ایران با آیت الله خمینی و روحانیون دیگر را که در آن سالها بر اساس نقادی که خرده بورژوازی با امپریالیسم و رژیم شاه داشت، با آن رژیم مبارزه میکردند، در پاسخ به سخنان آیت الله خمینی (مورخه ۴ تیر ما) نوشته‌ام و آورده‌ام. قسمت اول از آن

نوشته در پیکار ۶۱ منتشر شد و دنیا له آن نیز که مشخصا به ملاقاتها و تماسهای من و رفیق حسین روحانی بنه عنوان نمایندگان سازمان مجاهدین خلق ایران در آن سالها با آیت الله خمینی پرداخته است منتشر خواهد شد و در اینجا لزومی به تکرار آنها نمی بینم. البته مطالبی هم در رابطه با خود سازمان مجاهدین خلق وجود دارد که با سخ به آنها در صلاحیت خودشان است. در پاسخ به سوال شما آنجا که فرصت باشد ماده هفتم که به غزلیات و دوزغهای نا جوانمردانه و قبحخانه آقای محمد منتظری نماینده مجلس شورای اسلامی اثار و کتب و افه نامی نما به که با توجه به سوابق آشنائی او با مجاهدین و پیروزیها من در آن سالها گمان نمی کردم که او با چنین سرعتی استعفا نه شده باشد الحق که متعدهین بورژوازی و تجاریها از رودشمنان طبقه کارگر برای نیل به مقصود، به هیچ اصلی جز حفظ قدرت خود پایبند نیستند و هدف برایشان وسیله را توجیه میکنند. سوال: آشنائی شما با محمد منتظری به چه زمانی بر میگردد؟ هرگز نشد! او منطقتی که میگردید دوچه نظری نسبت به سازمان مجاهدین خلق - که شما عضو آن بودید - داشتند و روابطشان با شما چگونه بود؟ با موضع خصمانه کنونی را در گذشته نیز داشتند؟ موضع شما در قبال آنان چه بود؟ جواب: من آقای منتظری را برای اولین بار در سال ۵۱ در نجف، در منزل آقای دعاشی (بربر است فعلی روزنامه اطلاعات) - که در آن زمان سمیات سازمان بود - دیدم و تا زمان مجاهدین نزدیک بین ما که نماینده سازمان مجاهدین بودیم و او که از جمله چند طلبه با صلاح روش و مبارزان سالها بودند سال ۵۴ ادا جدا شد. شهادت و قربانیهایی طبقاتی و ایدئولوژیک بین ما و آنها همکاری فیما بین رانسیل میگرد. طرفین دلاویه از خرده بورژوازی تحت تسلط ایران را تا بندگی میکردیم با این تفاوت که ما به سمت زحمتکش ترین اقشار خرده بورژوازی و طبقه کارگر جهت گیری داشتیم و لاجرم را دیکار انقلابی تر بودیم و علاوه بر زمان در حد قابل توجهی سازمان با فتنه بود و ایدئولوژیها را از ایده آلسم رفیق تری برخوردار بود در صورتیکه آنها شدت دچا رگی و برورد - کمی وبی تشکیلاتی بودند و علت روی آوردن و تاشد و همکاریها با ما آن بود که ضعف و بیسیفیم و بیاندگی خود را در حضور فعال و متشکل ما در پهنه مبارزه انقلابی با رژیم شاه جبران شده میدیدند و معیار دیگر آن شور مبارزاتی و فاطمی انقلابی را که از رزودا شدند وجود ما محسوس میدیدند و آنکه خود فریب چندین فاطمی و شوری را داشته باشند. آنها فرصت طلبانه - غیرمغایا خلفا که در برداشت ما و آنها از اسلام وجود داشت - نیاز مند بودند چنین نمود کنند که "اسلامیها" هم میتوانند مبارزه انقلابی کنند و تشکیل داشته باشند و میدان در انحصار کمونیستها (در آن زمان فدا نشان خلق) نیست. در واقع یکی از علل سمیاتی آنها به ما موضع ضد کمونیستی شان بود! از سوی دیگر عیبه وسیع مبارزه ضد امپریالیستی و ضد رژیم شاه در آن سالها و ترکیب طبقاتی نیروهای انقلابی حاضر در صحنه طوری بود که تمام اقشار خرده بورژوازی از جمله خرده - بورژوازی مرفه سنتی درجه و اولادی علیه دشمن مبارزه میکردند.

حالا که آقای منتظری و دیگر خرده بورژوازیهای وابستگرا و بورژوازیهای بازاری (نیز) بقدرت رسیده اند برای حفظ قدرت خود و در راه مبارزه با نیروهای که

انقلاب را نیمه تمام میداند تند و در راه پیروزی طبقه کارگر همچنان به مبارزه ادامه میدهد، آن همکارها و وحدت ضد امپریالیستی گذشته را فراموش کرده در دفاع از مواضع راست و ارتجاعی خود به لجن مال کردن مجاهدین و کمونیستها دست میزنند. محمد منتظری در مواجیه اش میگوید که از همان اول کتابهای مجاهدین را کتابهای اسلامی نمیدانسته بلکه آنها را "کتابهای مارکسیستی با لعا با اسلامی" تلقی میکرد. است. باید از ایشان پرسید پس چرا شما چند نفر - که تعدادتان به شمار انگشتان یک دست نمیرسد و دهه "اصحاب آیت الله خمینی" را تشکیل میدادید آنقدر به صرف نام نشان با ما پیش این و آن افتخار میکردید؟ چرا شما حتی دو سال پس از انتشار کتاب شناخت همچنان در بسیاری از امورا زمانه نظروهای و مشورت میکردید؟ چرا با آنکه آیت الله خمینی ما را تا شنیدن خبر بود که بعد از ترسین فردا شما یعنی آقای دعاشی سمیات نیز از فعال شکلات ما بود و ما موریتها و فعلیتها را حتی از آیت الله خمینی بعدت چند سال مخفی میداشت؟ مگر شما نبودید که در سال ۵۳ زمانیکه برای اولین بار ربطی آن سالها نداشتیم بودید چند صفحه ای کپی اخبار سازمانی داخل ایران را تهیه و بخش کنید مشخصا (در آن زمان مجاهدین خلق) را مورد پستی تانی فرار دادید؟ چرا در کلیه فعلیتها نشان - که امروز برایشان "ناتدانی" شده و آنها را یاد کرده و تحویل مردم آگاه میدهد - از ما کمک می گرفتید؟ از تهیه مطالب تبلیغی گرفته تا تانیب زدن و تانیب روزنامه ها و اخبار ایران و منطقه تا مشورت در راه گرفتن یک استیگه را دیویتی خاص برای روحانیت مبارز؟

اگر فدا نشان نیست از آقای دعاشی که احتمالا حافظه شان از شما قوی تر است - پرسید که حتی مشار آن استیگه را دیویتی را - که چند ماهه در او خراسان ۵۳ ادا میداشت - من انتخاب کردم و آقای دعاشی تا آخر ۵۳ نثر به خبری مجاهدین را تا ما و کمال از آن رادیو میخواند و نوشته های مرا (که از سال ۴۹ مرتب برایش مینوشتم و البته همگی ملهم و موهون آموزشهای سازمانی بود) با رها و با رها طی فریب ۴ سال چه در را دیویتی داد چه در استیگه را دیویتی خاص "روحانیت مبارز نگار" میگرد. امیرا اما به کم که آنچه کم جزئی است تا چیر از همکارهایی متغیالی که بین ما و عده ای از روحانیون مبارز در آن سالها ادا میداشت. این فعلیت مشترکی بود علیه دشمن مشترک و ما اینترا و طبقه خود میدانستیم. آقای منتظری - در ریح و (سریعا) در صف مقابل زحمتکشان و نیروهای ترمونیستی و انقلابی قرار گرفته است آنقدر در فرصت طلایی غرق است که در یاد نگسی، گنجی، سردرگمی و استیمال خود و همکاران خویش در آن روزها را فراموش میکند و از یادش می رود که با چه احساس سازو احترام و جوشی که در پیروزیها به مانگه میگردند.

آقای منتظری حتما باید در آنجا که در سال ۵۱ وقتی به نجف آمد شما دهه که در گذر دوران و حوش آیت الله خمینی حتی یک هفته چند نفری از طلب ما از رزودا شدند! او بسیار رکوشید بلکه چند نفر طلبه مبارز موجود را بنحوی سازماندهی کند ولی نتوانست! همان سه چهار نفر آنقدر گرفتار خودخواهیهای بیگانه بودند و آنقدر بر سر آنکه کسی مثلا اعلامیه مجاهدین با دیگر نیروهای مبارز برای زدن و ترسان زدیگری به دستش برسد خود را دارای روابط با آنها معرفی بکنند ما هم اختلاف داشتند که املا ایشان به یک جوی نمیرفت. شاید ایشان فراموش نگردد با شنیدن که زمین خواستند برای صحبت کردن و رفع اختلاف بین خودش و آقای دعاشی (که حالا

از اعای دفتر ما ما است به نجف بروم و در منزل آقای شما معین شیرازی با حضور هر سه نفرشان شدید از آنها انتقاد کردم و گفتم "شما باید حداقل یکسکه جنجین اختلافاتی کودکا نه در این شرایط خاص مبارزه دارید" آقایان ظاهرا تحت تاثیر قرار گرفتند. ولی عملا هر کدام به راه خود پستیهای ادا میدادند. راستی که آیت سیالافته است که از اربابو عظامای میهن ما باز کرده است! آقای منتظری اگر راست میگوید که ما را در آن روزها با اصطلاح منحرف میدانستند است جواد و نرفراز دوستانش را در عراق برای آموزش نظامی در اختیار ما گذارد و ما چندین ماه آنها را در کنار ما فرا دخواستیم. دریا بیگانه و بیرون از آنجا فلسطینیها را گرفته بودیم. آموزش دادیم؟ چرا فراموش میکنند که عیبه نفر دیگر از دوستانش را در سال ۵۴ در سوریه برای آموزش نظامی در اختیار ما گذارد و ما یکی از رفقا مان را به عنوان مسئول آموزشی و حل و فصل کارها شای در یک با بیگانه فلسطینی تعیین کردیم؟

آقای منتظری امروزه ما حادین و کتاها و نظرات آنها بد میگویند ولی فراموش میکنند که حوش دریا شیز سال ۵۴ نهاد ادبالی نوجوی از کتاها و اولیه سازمان یعنی دفاعات نهاد سعید محسن و علی میهن دوست و شناخت و اتحاد در بیان ساده و... را برای ارسال به داخل از ما خواست. و بالاخره کار او را استیگات چرا تا همان سال ۵۴ حتی برخی امکانات نظریه پس با سپورت جعلی رابط و مسائل را حاضر هم قرار میدادیم؟ بعدها مسئله نسیرا بد شولوزی و اعلام مواضع مارکسیستی بخشی از سازمان مطرح بد که ما به کلیه جنبه های مثبت و منفی آن در تحلیل های خودمان به تفصیل پرداخته ایم. اما آقای منتظری میپرسم چرا حتی پس از اعلام مواضع در اوایل سال ۵۵ همچنان نثرهای خیری ما برای حشرات در صحنه حالب توجه بود (انترامرحوم ملائی که از خودتان بود در دمشق به من گفت و خواستار ادا ما را ل آنها شد و آنرا سهوا منع خیری از یاد داشت.)

ادامه این صحاح را در شماره آینده خواهد خواند

نسخه در صفحه ۱۶ مراسم...  
کارگر و برخی از سازمانها و جوزه های کارگری - جوشی و حقوقی و استه به سازمان بیگانه براسه رسید و برخی از آنها فرات گذرید. دو شمربکی عنوان "شمربک مزار رفیق شهرا م و دیشی" بعنوان "سرودهای آخربن دندار با یک کومونیستی" بنده می سازمان بیگانه و سربرازها شای از دست رفتن بقسط از یکی از ماها پیش فرات گذرید. این مراسم مادر ما هدیه هوشمندانه ای طی بشق بر شوری شمربک را که خود سروده بود فرات کرد همچنین ما در شهرا کومیرت و خنا با شمربک صحت نمود. مادر رفیق شهرا م و دیشی که صورانه منکلات ماها مبارزه فرزند خود را کنون شهرا دشر را تحمل کرده اند صحبت نمودند. شرکت خانواده های شهرا دشر انسان رژیم شاه، شکوه خا می به این مراسم بخشد. مراسم در حالیکه به بیان خود نزدیک بود مورد مزاحمت تعدادی از افراد آگاه و تحریک شده "حزب اللهی" قرار گرفت و سرانجام ما درود به رفیق شهرا و دیگر شهرا های جنبش انقلابی و کمونیستی بیان رسید. رفیق شهرا در دلهای کارگران و زحمتکشان میهن ما زنده خواهد ماند.

بقیه از صفحه ۳

## وزیر کار...

"با ازشوراها برای تغییر سود ویژه نظر خواهی کردند یا خیر؟" ملا شورا ای عالی کار چه گمانی هستند؟

روشن است که لفقو قانون سود ویژه، حرکتی آشکارا ضد کارگری و در جهت منافع سرمایه داران است. اگر وزارت کار، بعنوان نماینده و مدافع سرمایه داران دست به چنین کاری میزند عیب آن این نیست که برای نفوس سود ویژه چرا با شوراها شورت نگرده است، زیرا: اگر ازشوراها هم نظر خواهی میکردند با وزیرمجموعری اسلامی به چنین کاری دست میزد. زیرا این رژیم که هرگز به فرسوسا به داران کاری انجام نمیدهد. این رژیم به خوبی میدانند که با ربحان گزانی و مشکلات کنونی را با بدبخت زحمتکاران بیندازد. این رژیم بخوبی میدانند که برای تشویق بیشتر سرمایه داران به سرمایه گذاری در ایران برای ایجاد "نظم" و "امنیت" برای سرمایه داران باید امروز سود ویژه را لغو کنند. بعد کارگران آگاه و مبارز را اخراج کنند و بعد قانون نظایطی را در کارخانه بنیاده کنند و غیره. پس به فرض اینکه با شوراها هم برای تغییر این قانون نظر خواهی میدهند تا شیری در این کار ندانند.

اما اینکه ملا شورا ای عالی کار چه گمانی هستند، به این سؤال خود وزیر کار را بنظر جواب داد:

"به نظر من نمایندگان شوراها با سندیکاها، به نفع از نمایندگان کارفرمایان و به نفع نمایندگان دولت هستند. به نظر من نمایندگان کارگران را با توجه به اینکه مکان تعیین نماینده از طرف کارگران نبوده این افراد را من خودم با اجازة شورای انقلاب تعیین کردم."

این افراد عبارتند از: علی ربیعی، علی محمد عرب و یک نفر از سبوتال که همه از عوامل حزب ارتجاعی جمهوری اسلامی هستند. همچنین وزیر کار میگوید:

"به نظر من نمایندگان کارفرمایان را هم از مدیران دولتی انتخاب کرده ایم و نه از کارفرمایان، به نفع دولتی را هم یک نفر از وزارت صنایع و معادن، یک نفر از شرکت نفت، یک نفر از وزارت کار تعیین شده اند..."

جناب وزیر کار میگوید که چون امکان انتخاب نماینده از طرف کارگران نبود، این افراد را خودشان با اجازة شورای انقلاب تعیین کرده اند.

ما سؤال میکنیم چطور امکان انتخاب نماینده از طرف کارگران نبود؟ با از طریق رجوع به شوراها کارگری و اتحادیه های موجود کارگری نمیشد نمایندگان واقعی کارگران را شناخت؟ روشن است که این کار امکانپذیر نبود ما وزارت کار نمیتواند چنین کاری بکند، زیرا منافع طبقه سرمایه داران این عمل مغایر است. سال گذشته هم چنین بود. آن زمان هم چون وزیر کار قبلی وقت نداشت عده ای را برای شناسایی عالی کار انتخاب کرد و خودش برید و خودش دوخت و وقتی هم که حداقل حقوق کارگران ۵۶۷ ریال تعیین شد گفت: "این نظر خود نمایندگان شما بوده که در شورای عالی کار ترا حساب کردند و نظر: "دنه" ما روشن است که همه اینها دروغ محض می باشد و وقتی پای منافع سرمایه داران در میان باشد حتما شورای انقلاب هم به نفع آنها مذاخله میکند، اینرا ما در کلیه اعمال و حرکات ضد کارگری رژیم کنونی که شورای انقلاب تا کنون در آن بوده است به چشمان دیده ایم.

نفر دهم که پشت میکروفن رفتن کارگر مسن و زحمتکش بود که از شورای کارگاههای سنگبری تهران آمده بود و به درستی ضد کارگری بودن این قانون و دفاع آشکار آن را از سرمایه داران بیان کرد. او گفت که با احق حقوق ۸۸۰ ریال امسال کارفرمایان سنگبری متری ۴۰ تا ۵۰ تومان روی قیمت سنگ کشیده اند. در حالی که قیمت سنگ تمام شده متری ۵۲ تومان است و قیمت سنگ در بازار چندین برابر بیشتر است. در حالی که یک کارگر سنگبری با چند ساعت ۶۴۵ ریال حقوق میگیرد. این کارگر گفت:

"چرا شورای انقلاب سود ویژه کارگران زنده است؟ این واضح است که ما این کارخانه ها که یک سرمایه داران را میبندد. اگر میخواهند تورم را بنیاد با سودی از آنها و سرمایه داران را کم کنند، نه حقوق ما را."

پس از او "بدالله سلطانه" عضو شورا و وهاب مدیر گروه بهیشتی میکروفن رفت. وی شما را وقت را به حرافی گذرانید و دست آخر گوشه ای هم به وزارت کار زد.

پس از آن خالقی اداره کننده جلسه دیگر وقت صحبت به کارگران نداد و خودش اعلامه کارگران شوراها را از سوی کارگران را خواند و پس از آن از وزیر کار میخواهد که بیاید و صحبت کند.

لازمه تذکر است که اداره کنندگان جلسه سعی و کوشش زیادی به کار میبردند تا شما مثل ما مات مالی کنند و با زرنگی خاص خودشان که آن هم کوشش بران آشنی دادن کارگران و سرمایه داران است نمیکذاشتند که کارگران در دلد خودشان را بگویند و به افشگری بیرو من این عمل ضد کارگری رژیم جمهوری اسلامی بپردازند.

وزیر کار در صحبتهايش ادا میکند که کارگر مفهوم واقعی اعلامه لفقو سود ویژه، درست نفهمیده است. اما حرافی های او که دروغ بودن آن بر همه کارگران روشن بود، تا شیری نداشت و برخی کارگران را به اعتراضی کشانید، و کارگری با عداوت بلند فریاد زد:

وزیر کار را بدترین اما محاکمه بشود "این گفته ما تا شیدا طبع کارگران رو برودند. اما وزیر کار رول نمیکرد و به قول خودش اشکات میکرد که حقوق کارگران پس از لغو این قانون بیشتر هم شده است. وزیر کار از زحمتا شیا نه روزی خودش برای تهیه این لایحه صحبت میکرد و گفت که:

"ما وقتی لایحه سود ویژه را نوشتیم و به شورای انقلاب بردیم بدون حتی یک رای مخالف نموتب شد."

حالا دیگر برای کارگران روشن است که چرا باید همه افراد شورای انقلاب با این لایحه موافق باشند و حتی یک نفر مخالفت نکند زیرا همه افراد شورای انقلاب مدافع سرمایه داران هستند و هیچ کدام آنها حتی ذره ای در جهت منافع کارگران کوشش نکردند و نخواهند کرد.

اما بر اثر اعتراض کارگران و صحبتها ای افشاگرانه شان وزیر کار مجبور شد که کمی کوتاه بیاید و گفت که ما این قانون طاغوتی را لغو کرده ایم، اما هنوز به جای آن قانونی نگذاشته ایم، شما طرحی بدهید تا به مجلس بفرستیم، این مجلس است که باید قانون در رابطه با مالکیت و اقتصاد اسلامی تصویب کند، آنها هستند که باید راه حل بدهند که سود به چه ترتیب تقسیم شود. آیا سهم کارگران، سهم سود سرمایه، سهم ساز تولید و غیره بقدر میشود... روشن است که اگر فردا هم مجلس قانونی وضع

بکنند از آنجا که مجلسی معرفی نبوده و ما شان همس رژیم کنونی هستند سود کارخانه را به سهم سود سرمایه داران بدهند، سهم ساز تولید، سهم سرمایه داران... تقسیم خواهند کرد و راهیک چیزی هم از کارگران طلبکار نمیسند. اما کارگران به گفته های وزیر کار را عراض می کنند و یکی از کارگران او را به عنوان سرمایه دار و خاش و... معرفی میکند. اعتراضات زیادی به سخنان وزیر کار میشد، ولی چون گرداننده جلسه میخواست که کارگران صحبت کنند، وقت به آنها بعدا دو میکروفن شما ما در اختیار رو برسد.

لازم است که در جلسات آینده، ما حتما نماینده ای از خود ما برای اداره جلسه انتخاب کنیم تا به اسم اداره جلسه سرمایه داران و وزیر منبخت آنها دفاع نشود.

در خانه وزیر کار گفت: "ما شوراها را قبول داریم ولی نه همه شوراها را، مثلا کرسی را (نما بنسبده کارگران کارخانه ما که چپیی بوده است و در شورا انتخاب شده بود..."

در خانه ما به دیگوشم جناب وزیر کار شما با بد هم بعضی شوراها را قبول نداریم شما باید وزیران شوراها را واقعی کارگری و مدافع کارگران هستند. هر کجا این شوراها به همت کارگران تشکیل شد، شما فوراً با هزار مازک و سرچسب به آنها حمله کردید تا کارگران را نسبت به نمایندگان واقعی شان بدبین کنید و از باب کل آلود ما میگیرید، اما کورخا نده ایما ما کارگران آگاه میدانیم که با یستی شورا های قلابی و انجمنهای اسلامی که جنم و گوش حزب ارتجاعی جمهوری اسلامی همیالکی های شما هستند را منحل کنیم و شورا های کارگری واقعی را تشویق کرده و ایجاد کنیم و از این طریق حقوقمان را که هر روز توسط سرمایه داران مزدور به غارت کرده میشود دست آوریم.

کارگران مبارز!

نه آن افرادی که در خانه کارگر جمع شده اند و دست منافع کارگران را به سینه میزنند (مثلا علی ربیعی و عرب و...)، اما عملاً دنبال سیاستهای ارتجاعی و منافع حزب جمهوری اسلامی هستند و کارگران شورا های اسلامی کارگران (پلی تکنیک) که بیشتر دنبال سود و منی مدر هستند هیچکدام حامی واقعی کارگران نیستند ما قبلا اهداف حزب جمهوری اسلامی را از علم کردن سود ویژه گفتیم. در این مقاله روشن شد که عواما "کارگران شورا های اسلامی" کارگران "نه فقط دلشان به حال کارگران نمیوسوزد بلکه می دارند با به انحراف کشانیدن مبارزات کارگران رهبری خود را بر آنسان اعمال نمایند.

کارگران مبارز!

شما تجربه کارگران ما طی چند ساله اخیر و طی دهها ساله اخیر شما منجر سیاست کارگران جهان نشان داده است که همواره این امکان وجود دارد که احزاب خاش به طبقه کارگر بتوانند طی دوره های مبارزه کارگران را بر بزرگ برد و رئیس خود بکنند (نمونسه حزب توده در سالهای ۳۲-۳۵) لیکن تجربیات سیاسی از کارگران جهان نشان داده است که کارگران هر گاه زیر رهبری واقعی خود (حزب طبقه کارگر) متشکل شوند خواهند توانست نه فقط مبارزات منفی خود را به نحو مطلوبی به پیش ببرند، بلکه در مبارزات سیاسی بسنه عنوان یک طبقه متشکل و متحد شرکت کرده، قدرت سیاسی را بدست آورده و به سمت استقرار نظام سوسیالیستی و کمونیسم - که منافع واقعی شما کارگران و توده های زحمتکش در آن بر آورده میشود به پیش بروند. ■

نقشه از صفحه ۴ اعلامیه سازمان ...

با اواخر روز چهارشنبه ۸ مرداد در دیونولیزبون و روزی به ها خیرلغوفانسون سودویزه توسط شورای انقلاب به ریاست بنی صدر اعلام نمود. در همان روز موج عظیم اعتراضات و حتی بعضی موارد اعتصابات کارگران بوجود آمد. بسیاری از کارگرانی که بدرتی بر ما هیت ضد کارگری رژیم آگاهی ندارند، بخوبی فهمیدند که این اقدام عملی است ضد کارگری. فردای هم روزی پنجمین پنجشنبه ۹ مرداد، حزب جمهوری اسلامی که بسیاری از ارگانهای دولتی - از دیونولیزبون و روزیانه ها گرفته تا اکثر کرسی های مجلس - شوراء را در دست دارد، در روزیانه ها مرسمی خود، جمهوری اسلامی شروع به داد و فریاد بر علیه وزارت کار و رئیس جمهور و حتی شورای انقلاب که بسیاری از اعضا آن جزء رهبران همین حزب جمهوری اسلامی هستند نمود. حزب جمهوری اسلامی به این وسیله کوشش میکرد تا خود را طرفدار کارگر و مستضعفین و دشمن سرمایه به دارمستکبرین نشان بدهد. ولی در حرف فحش دادن به سرمایه داران و استثماریان به معنی در عمل طرفدار کارگر نبودن نیست. این روزها هر حزب طرفدار سرمایه داری را که ببینید، در حرف خود طرفدار کارگر نشان میدهد. اما تنها بدیهه ظاهر حرفهای آنها و به بدویرا گفتن آنها به سرمایه داران و استثماریان و شورای انقلاب نگاه کنیم. بلکه باید بدقت کنیم، ببینیم واقعیت چیست و حسب جمهوری اسلامی با چه هدفی لغوسودویزه را مورد حمله قرار میدهد و پیشنها داتی در این مورد ارائه میدهد ما با بررسی نظرات حزب جمهوری اسلامی و عواملسن نشان خواهیم داد که اختلاف بین بنی صدر و حزب جمهوری اسلامی بر سر استثماریان است. استثماریان در این دو جناح رژیم جمهوری اسلامی کاملاً موافق با استثماری و سرکوب کارگران می باشند هر دو آنها موافق با کمزردن دستمزد کارگران و مدافع منافع سرمایه دارانند. اختلاف این دو بر سر این است که قوانین ضد کارگری در این زمان بسیار در زمان دیگر، از این راه با از راه دیگری به اجرا در بیاید. چنانکه تا بحال دیده ایم هر یک از این دو جناح برای کوبیدن جناح دیگری و قدرت گرفتن خودشان تا اکنون از هیچ عملی دریغ نکرده اند. انتشار رتوار آیت بوسیله بنی صدر دست حزب جمهوری اسلامی و توطئه چینی آنرا برای همه روشن کرد. همه روزها ما شاهد هستیم که در مجلس شورا چگونه این دو جناح به جان یکدیگر می افتند و بته یکدیگر با بروی آب می اندازند. همچنین ما شاهد بودیم که در جریان سفارت آمریکا چگونه حزب جمهوری اسلامی با شعارهای تند و تیز "صدا مهربا لیستی" برای فریب مردم به میدان آمد و مردم را تا مدتها بدین حال خودشان کشاند.

حال ببینیم هدف های حزب جمهوری اسلامی از به اصطلاح مخالفت با لغوسودویزه چیست؟

دم خروس یا قیاسم ...!

حزب جمهوری اسلامی در ظاهراً خود را مخالف تصمیم شورای انقلاب و ریاست جمهوری در مورد لغوسودویزه نشان میدهد. روزیانه جمهوری اسلامی در روز دوشنبه ۱۳ مرداد از قول کارگران "ما طای بیانیست" که به همسب حزب وابسته است مینویسد:

"ما طای بیانیست" لغوفانسون سهم کردن کارگران در منافع کارخانجات (سودویزه) که ... به تصویب شورای انقلاب رسیده بود محکوم نمودیم."

ما میگوئیم اولاً حزب جمهوری اسلامی از بدستهای دربی لغو سودویزه "تود" زیاده داریا سال گذشته آیت الله بهشتی (از رهبران حزب جمهوری اسلامی) طی مصاحبه ای اعلام کرده بود سودویزه عوتی است با حذف شود.

ثانیاً - بسیاری از اعضای شورای انقلاب از رهبران حزب جمهوری اسلامی میباشند. مثلاً بهشتی، رفسنجانی با هنر، موسوی اردبیلی، خامنه ای، روشن است که اگر حزب جمهوری اسلامی واقعا مخالف این قانون بود هرگز شورای انقلاب موفق به تصویب قانون اخیر نمیشد.

اینجا است که دم خروس بیرون می افتد و روشنی میشود که مخالفت حزب جمهوری اسلامی با لغوسودویزه چیزی جز فریبکاری نیست.

مزد کارگران کم کنید، اما کمی دیرتر!

چنانکه قبلاً هم گفتیم سال گذشته بهشتی در مصاحبه خود در مورد سودویزه بر روی ضرورت حذف سودویزه تا کم کردید بود و فقط اضافه کرده بود که حالا زمان اینکار نیست. ما نشان میدهم که هنوز هم اختلاف حزب جمهوری اسلامی با تصویب کنندگان این قانون لغوسودویزه فقط بر سر زمان اجرای این قانون است روزیانه جمهوری اسلامی سه شنبه ۱۴ مرداد به نقل از رسانه شماره ۵ انجمن اسلامی کارگران با قنده سوزنی (وابسته به این حزب) در مورد لغوسودویزه مینویسد:

"از تمام دست اندرکاران تقاضا میشود اگر کمتر چنانچه تصمیماتی اتخاذ میکنند (تصمیماتی مانند تصویب قانون ضد کارگری لغوسودویزه) اثر ایست و اوضاع را در نظر بگیرند، دیگر خود آن قوانین ضد کارگری ابرای ندارند... و مهمترین مسئله اینکه در این موقعیت خطرناک آیا تمام مشکلات مملکتی حل شده است؟ آیا این پنجشنبه سرمایه در جهت حفظ منافع اقلیتی سرمایه دار... گام برداشته اند؟ (یعنی اگر موقعیت این چنین خطرناک نبود و ما مشکلات مملکتی حل شده بود آن وقت آیا این مجاز بود و یا سنجیم - سرمایه در جهت منافع سرمایه داران گام بردارند و قسمتی از دستمزد کارگران را به حبس بزنند؟" (تاکید از ما است).

دعوا بر سر منافع سرمایه داران است

حزب جمهوری اسلامی ادعا میکند با عملگردها و تصمیمات وزارت کار مخالفت است. همان بیانیست "کارگران همه هنگی شورا های اسلامی کارخانجات و صفوف خانها را که وابسته به همین حزب مینویسد:

"ما طای بیانیست" لغوفانسون سهم کردن کارگران در منافع کارخانجات (سودویزه) را که توسط وزارت کار طراحی شده... بود محکوم نمودیم. ما طای بیانیست خود از مسئولان وزارت کار را مواجتماعی خواستیم که از اینست مریضیها را بر خیزند و برای شناخت جامعه کارگری و مسائل صنعتی به کارخانجات و موسسات تولیدی رجوع کنند" حتی وزارت کار هم قبول نداشت که ما کارگران خانها کارگردان سودویزه اختلاف جدی داریم بر روی وحدت نظراسی با آن تا کمیداد:

"وزیر کار را مواجتماعی که در مورد کارگرانی که در خانه کارگر جمع شده و در رابطه با سهم شدن در سودویزه کارخانجات و حدود مالکیت نظراتی داده اند گفت: خود سراسران و خواهران کارگر هم میگویند که این قانون به نفع کارگر نبود ما هم همین را میگوئیم منتها ما این شما مت را داد شتم قانونی را که سودی برای مستغفان نداشته لغوفانسون، یعنی همه همجهت هستیم." (کیهان - سه شنبه ۹ مرداد ۵۹)

ما در اینجا نشان خواهیم داد که هدفهای وزارت کار و حزب جمهوری اسلامی یکی بوده و قصد هر دو جلوس - گیری از کم شدن تولید و خدمت به سرمایه داران برای استثماریست کارگران است. یکی از "منافع بلند پایه وزارت کار" در مورد همین قانون لغوسودویزه گفته است:

"این مصوبه با طرحی که کارخانجات و کارگاههای کشور از خطر رکود بیشتر تنظیم شده است." (روزیانه جمهوری اسلامی - پنجشنبه ۹ مرداد ۵۹).

وقتی که به دو من بیانیست کارخانجات و کارگر (وابسته به حزب جمهوری اسلامی) مرا جمع میکنیم متوجه میشویم که دل این مدافعین دروغین طبقه کارگر هم مانند وزارت کار با حال سرمایه داران میسوزد. وحشت زده به همان خطر "رکود تولید" و "اعتصابات کارگران" اشاره میکند، کوشش کنید:

"لغوفانسون فوق (سودویزه)... عامل ایجاد نا رضایتی در کارگران شده و طی چند روز گذشته چندین کارخانه دست به اعتصاب زده و تولید واحد ها روبه رکود است. بعضی سرمایه داران بدون در نظر گرفتن طرح لغوفانسون سهم نمودن کارگران در منافع کارخانجات به برداخت سودویزه ادامه میدهند." (روزیانه جمهوری اسلامی ۵/۱۳)

می بینیم که حزب جمهوری اسلامی با وزارت کار برای رساندن منافع بیشتر سرمایه داران مسابقه گذاشته اند...

تفرقه بیانداز و حکومت کن!

حزب جمهوری اسلامی و رهبران مرتجع آن و عواملسن با داد و فریاد کوشش میکنند سنگ طبقه کارگر را به سینه خود بزنند و خود را بدو طرفدار طبقه کارگر جا بزنند این حزب و عواملسن که اینجا بر علیه استثماری کارگران داد سخن را راه انداخته دست وقتی که به لغوسودویزه در کارخانجات دولتی میرسد میگوید:

"تا بدین حرکت در مورد شرکت های دولتی عملی دست تلفی شود... (بیانیست شماره ۵ انجمن اسلامی کارگران با قنده سوزنی)

میدانیم که سودویزه قسمتی از دستمزد کارگران می باشد و لغوفانسون معنی حذف قسمتی از دستمزد کارگران است و این قدمی است در جهت استثماری کارگران حال چه سودویزه کارگران کارخانجات دولتی حذف شود چه سودویزه کارگران کارخانجات خصوصی.

ما سوال میکنیم: چرا باید قسمتی از دستمزد کارگر ان کارخانجات دولتی که در واقع قسمتی از هستی و زندگی آنان است حذف شود؟ مگر کارگران کارخانجات دولتی با کارگران کارخانجات خصوصی فرق دارند؟ هردی آنها مزد بخور و نمیری میگردند که بزور کفایت خرج زندگی شان را میدهند. هر دو تا با بدیها همین حقوق نا چیز کلیه ما بجان جان را که همه روز در اثر تورم شدید قیمتشان بطور سرسام آوری با لاسرود تهیه کنند، مگر از کارگری که برای خریدن و کوشت (که حیرا بدستور رژیم جمهوری اسلامی بندت گران شده است) و غیره به فروشنده مراجعه میکنند سوال میشود که و کارگر کارخانه دولتی است یا خصوصی؟

جنگ قدرت با بنی صدر

با این توضیحات حال تا بدیهه این سوال پاسخ داد که در اینجا ما با حزب جمهوری اسلامی برای چه بدو طرف خود را می کارگر جا میزنند و با لغوسودویزه مخالفت نشان میدهند؟ یا پاسخ را با بدو طرفت کنونی سیاسی کشور و بخصوص اوج گیری اختلافات بین دو جناح

## کمکهای مالی دریافت شده

۶۰۰۰	ج	۱۷۰۰۰	ف	۷۴۰۰
۳۰۰۰	د	۲۳۰۰	"	۱۳۴۰۰
۱۴۰۰	د	۸۰۰۰	"	۶۰۰۰
۳۰۰۰	"	۳۰۰۰	"	۲۲۲۰
۱۹۰۰۰	ر	۳۵۰۰۰	ی	۲۱۷۲۰
۳۱۲۰۰	"	۱۱۵۰۰	"	۱۲۷۲۰
۱۱۴۰۰	"	۱۶۰۰۰	"	۱۳۷۷۱۰
۱۱۴۰۰	"	۱۵۰۰۰	ک	۳۰۰۰۰
۲۲۵۰۰	ز ج	۱۳۴۰۰	ک	۳۰۰۰۰
۱۵۵۰۰	ز	۱۳۰۰۰	"	۱۶۰۰
۱۱۱۱۰	ز	۲۵۰۰	"	۵۰۱۰
۶۳۶۰	س	۲۷۰۰	"	۱۱۰۰۰
۱۵۷۰۰	"	۳۹۹۰۰	"	۴۱۰۰۰
۳۵۰۰	"	۱۴۰۰۰	ل	۱۹۵۰۰
۸۷۵۰	"	۵۵۰۰	م ش	۳۰۰۰۰
۷۹۰۰	"	۴۰۶۰	م	۶۰۰۰
۶۷۰۰	ت	۳۳۱۰	"	۸۵۰۰
۱۱۲۰۰	"	۸۰۰۰	"	۱۸۰۰۰
۱۲۲۵۰	"	۱۲۸۰۰	"	۸۳۰۰
۹۰۰۰	"	۹۰۰۰	"	۳۷۵۰۰
۸۷۰۰	ح	۶۳۰۰	"	۴۶۰۰
۸۲۰۰	"	۶۰۰۰	"	۱۶۳۰۰
۹۵۰۰	"	۷۶۰۰	"	۵۰۰۰
۱۰۶۰۰	ع	۱۲۵۰۰	"	۵۰۰۰
۱۲۷۰۰	"	۲۱۰۰۰	"	۴۰۰۰
۸۸۰۰	"	۸۳۶۰	"	۵۰۰۰
۶۰۰۰	"	۳۰۰۰۰	"	۱۰۱۰۰
۶۸۰۰	ت	۴۱۲۰۰	"	۵۰۰۰
۲۹۰۰	ج	۸۰۰۰	"	۸۹۰۰
۶۲۰۰۰	"	۸۳۰۰	ن	۶۸۰۰
۱۱۱۰۰	"	۵۵۰۰	"	۴۰۰۰
۷۰۰۰	ح	۲۷۰۰	"	۱۱۰۰۰
۵۷۵۰	"	۷۲۴۰	"	۶۳۰۰
۲۰۰۰	"	۲۵۰۰	و	۸۲۰۰
۵۴۰۰	ف	۱۵۵۵۰	ی	۲۵۰۰
۲۲۰۰	"	"	"	"

۱- دهقانان مبارز یکی از روستاهای آمل، مبلغ ۱۰۰۰۰ ریال کمک مالی شما رسید.  
 ۲- دهقانان مبارز یکی از روستاهای محمودآباد، مبلغ ۵۰۰۰ ریال کمک مالی شما دریافت گردید.  
 ۳- رفیق ر- (سرباز وظیفه) کمک مالی ات رسید.  
 ۴- رفیق دانش آموزان را زمان دبیر وجود کمک مالی ات دریافت شد.  
 ۵- رفقای هسته دانش آموزی، مبلغ ۲۵۰۰ ریال کمک مالی شما رسید.  
 ۶- رفقای هواداران را زمان دبیر وجود، کمک مالی شما دریافت گردید.  
 ۷- رفیق سعید، کمک مالی ات رسید.

سوزی سینما رکس آبا دان به نامش میگذازد. از طرف دیگر رژیم بوساطه حاکمات فعال اما از خواستها و مبارزات برحق با زمانندگان شهادی سینما رکس و بعلت دشمنی اش با نیروهای انقلابی و از جمله سازمان مبارز میخواستند این عنوان که گویا سازمان مبارز را ملحق تحمیل با زمانندگان است خواهشهای برحق این خانواده - های داغدار را سرکوب کند. دز مورتی که این خانواده های شهادی و مردم مزحمتکش آبا دان هستند که مبارزه در جهت افشای پرونده ها و چهره درناک سینما رکس آبا دان برخاسته اند و در این راه مورد حمایت همه جانبه نیروهای انقلابی از جمله سازمان ما قرار دارند ■

می بینیم که حزب جمهوری اسلامی به نازکی اینچنین دم زکارت میزند، اینها همه فقط در حرف است و در عمل حزب جمهوری اسلامی از منافع سرما به داران دفاع میکند. هدف حزب جمهوری اسلامی این است که به این وسیله و با کمک انجمنهای اسلامی کارخانجات و شوراهای مدکا رگری که در کارخانجات علم کرده است (شورا) - ها شایع کند که کارگران کمابیش به ما هیتشان بی برده اند و تاکنون برای انحلال آنها کوششهایی همداشته اند) و همچنین بوسیله احادیه های مدکا رگری ما سندگانون خانه کارگری... کارگران ناراضی و معترضی که بر علیه این قانون بیخایسته اند را بدستمال خود یکساختند و در واقع خنجرش را از پشت به آنها بزند. همچنین حزب میخواهد به این وسیله برای بیچنگ آوردن سهم بیشتر از قدرت دولتی با بنی صدر به مقابله برآید. شما کارگران آگاه و مبارزان بدبا هوشیاری زیاد، ما هیت مدکا رگری این حزب و عوامش را برای توده های کارگران افشا کنید و مانع از اینکار شوید. کارگران برای ایستادگی هر چه مستحکم تر و استوارتر در مقابل توطئه های مدکا رگری رژیم ارتجاعی و ضد مردمی جمهوری اسلامی و القای این قانون تنها یک راه دارند: متشکل شدن در شوراها و احادیه های واقعی! بیش بسوی تشکیل شورا های واقعی! اعلامیه شماره ۹۲

انجمن انقلابی تیرسزا هیت متشکل مستقل زحمتکشان را در مقابل تشکیلات سازمانکاران، مرتجعین و قسوی دولتی بخوبی نمایان ساخت و نیز ثابت کرد که جناح رهبری تشکیلات سوده ای در دست نیروهای انقلابی و کمونیستها بعنوان نمایندگان منافع طبقه کارگری بیفتد، آنگاه هیچوقت چنین تشکیلاتی در دام شیوه های املاح طلبانه و سازمانکارانه گرفتار نمی شود و همچنین منافع زحمتکشان را نمایان میکند. مجلس شورای ملی و اقدامات قانونگذاری دوره های اول و دوم این مجلس سازمانکاران واقعیت بود که در حالیکه ما شین دولتی (مقامی - دولتی) در دست طبقات حاکمه و مرتجعین است هرگز زحمتکشان نخواهند توانست منافع خود را از طریق شیوه های پارلمانتاریستی تامین کنند. انقلاب مشروطیت نتوانست به پیروزی برسد چرا که نظام اقتصادی - اجتماعی نیمه فئودال و نیمه فئودال سلطه امپریالیستها را بر زمین ماست نخورد به نفعی گذاشت و تنها در زبانی حکومت و نهادهای سیاسی و اجتماعی تغییرات سطحی بوجود آورد که آنها بسا بورژوازی محدود ارتجاع از زمین رفت. شعله های فسروران جنبش سوده ای مشروطیت پس از گذشت ده سال خاموش نشدنی است چرا که توده ها هنوز به رژیم نماینده خود دست نیافته اند. از تجربیات جنبش خلق بسا موزیم و با حدا کثرت، با حمایت توده ها تا برقراری جمهوری دمکراتیک خلق به پیش رویم ■

## تغوی سوده...

بسی مدتی حزب جمهوری اسلامی جستجو کرد، هما نظور که همه کارگران و زحمتکشان. مین ما چه در راه دیسبوس و گویزیون و چه در روزنامه ها و مجلس و مساجد... شاهدند انقلاب بسنی صدر و حزب جمهوری شدت گرفته و علت آنهم حرص و آز و کوشش هرکدام از این دو برای قدرت گرفتن سبتر است. و منحصرا این روزها هرکدام از این دولتها میکنند نخست وزیر دولت مورد نظر خود را انتخاب نمایند. در این راه هم حزب جمهوری اسلامی و هم بسنی - مدرا زهر و سبیلای برای رسیدن به مقصود استغاده میکنند. و امروز حزب جریان "سوده یزه" را علم کرده است تا از حرکت اعتراضی و عادلانه کارگران که علاوه طسه بس از علاقه مندان مدکا رگری اخیر شروع گشته است استفاده نماید و هم از فاندن رهبری مبارزه بدست کارگران آگاه و مبارزان بطورکسری نماید و هم از آن وسیله ای برای مبارزه قدرت بسنی صدر سازد و با تبلیغات علیه بسنی صدر و دولت موضع خود را در مقابل وی تقویت نماید...  
**کارگران مبارز و آگاه!**  
 چنانکه تاکنون نشان دادیم حزب جمهوری اسلامی و شورای انقلاب ریاست جمهوری بطورکلی با هم رفیق ندارند و همگی بر سر دفاع از سرما به داران و محسروم ساختن بسن از پیش کارگران با هم توافق دارند. اگر

## بقیه از صفحه ۷

با فداکاریها و جانپوشیه ای فداشان و محاهد - صلح تیرسزا شکو تمام به نامش گذاشته شد. بیروزیهای بسنی جنبش مشروطیت و عقب نشینیها و تکتکهای مکرر ارتجاع در مقابل جنبش، تنها و تنها در اثر مبارزات مسلحانه انقلابیون واقعی بدست می آمد و روحانیون بزرگ و سازمانکاران و مرتجعینستها برآمواج اینگونه مبارزات سواره، میوه های آنرا از طریق نصبت قدرت و کسب امتیازات و جانپوشیه ها با حکومت تمام می - گردید و در عوض توده ها را از یکسب مستقیم قدرت بازمیداشتند. نقش عظیم کمونیستها و تیرسزا تیرکمکهای بیدریغ کمونیستهای قفقازی در پیروزی قبا م تیرسز، فتح تهران، جنبش جنگل... بخوبی ثابت کرد که بیوشش مذهبی جنبش در اغلب نقاط ایران تا تیری تمییس کنند و در محتوای آنها نمیگذاشت بلکه حتی با عسرت تسلط روحانیون بزرگ بر جنبش سوه استفاده مرتجعین از احساسات مذهبی توده ها میکردید و تیرسز ثابت کرد که انگیزه های واقعی توده ها برای مبارزه در درجه اول از وضعیت اقتصادی - اجتماعی و مادی آنها سرچشمه میگردد. تجربه تلخ خلق مهادین مشروطه توسط سازمانکاران به قدرت رسیده بخوبی این واقعیت را نشان داد که توده ها تنها به آنگاه نیروهای مسلح سوده ای قادرند قدرت سیاسی بدست آورده و حفظ نمایند. موفقیتها و چشمگیرانجمنهای سوده ای و بخصوص

## بقیه از صفحه ۱۶

این زا هیبماشی تا بیاضی از شب ادامه داشت و در بیابان مردم فرار کرده اند که فردا ساعت ۵ صبح در قبرستان شورا جمع کنند. **یکشنبه ۱۳/۵/۵۹ افتخاری با زمانندگان شهدا**  
 از ساعت ۹ صبح این روز مردم بتدریج در خاکستان (قبرستان) اجتماع کردند. حدود ساعت ۱۰ صبح افتخاریها و سخنرانیهای با زمانندگان درجه ارتقطه بر سر خاک شهدا شروع شد. این افتخاریها تمام حیواناتی را که در این مدت بر آنها گذشته بود در بر میگرفت مردم تدبیرا تحت تاثیر افتخاریها قرار گرفته بودند و در

**چرا رژیم جمهوری اسلامی با زندگان شهدای سینما رکس آبادان را سرکوب می‌کند؟**

از زمانیکه رژیم زاری با صبح در سپهری رسیدگی کرده و ساعت ۷ صبح رها می‌کند، خاکسوارهای داغدار پندارن سر از ملحق شدن به سید کنکردرجا نمی‌آید تا بدان حد که با دادن سفارش مردم را از عمل سحرمانه و ضد خلقی با ساداران با حرم می‌کند. آنها پس از باستان کردن خرابات خود برای اعتبار این به حمله و ضحاک ساداران و کما کثرت در دگر خراسانی آبادان را همیشه نشی منوده و بطرف آواره‌های رانی حرکت می‌کند. بیسی از رسیدن به دست در اطلالی درانی شروع به دادن شعارهایی نظیر "بروند سینما رکس آبادان با دگر دود" "حمله به سازمانده شده" "ساخته انقلاب است" و... می‌نمایند.

**شنبه ۱۱/۵/۵۹ - راهبیمایی با شکوه مردم آبادان به حمایت از زندگان**

ساعت ۷ بعد از ظهر هماهنگی در خانه سازمانده با ساداران طبق فرار قسلی پس از اجتماع در مقابل سینما متروپل آبادان دست به یک راهبیمایی اعتراضی از میان علیه و خشکریهای با ساداران زدند. راهبیماییان که اغلب آنها از ساداران، خواهران و پدران دادگاران تشکیل شده بود در طول مسیر شعار میدادند: "توطئه سینما رکس افشا با دگر دود" "سینما رکس توطئه ارتجاع، حمایت از آبادان را از انهدا حمایت از انقلاب" "رزمی، رزمی تا مسمی برای سرکوب، تا مسمی برای سرپوش...".

ساعت ۱۲:۳۰ در مقابل سینما رکس متروپل جمع شدند. فضای این خیابان چنان بود که کوشش با ساداران حکومت نظامی برقرار کرده‌اند. مردم در کنار خیابان به بحث در مورد سینما رکس مشغول بودند. عده‌ای می‌گفتند: "تا خلی جنابت کرده ولی ابیرگ کار کارا نبود کار خودا بیستاست". در این هنگام حدود ۲۵ نفر مزدور و اوباش تحت حمایت با ساداران سرمایه به صف با زندگان حمله نمودند. زد و خورد سخنی در گرفت. با ساداران نیز با قنداقی تفنگ شروع به ضرب و شتم با ساداران کردند. مردم کنار خیابان پس از دیدن این صحنه‌ها با هو کردن ناساداران اوباش شروع به تظاهرات نمودند. در این روز در کنار خیابان راهبیمایی که بین مردم و با ساداران و عناصر مزدور روی داد عده‌هایی از مردم مجروح و تعدادی نیز دستگیر شدند. بدنبال این وقایع سایل خروشان مردم در خیابانهای آبادان بر راه افتاد. مردم زحمتکش آبادان طی راهبیمایی با شکوهی برای سرشهر را فریادها و شعارهای خود پر کرده بودند. با ساداران از ترس خشم‌فزا پند شده مردم جرات مداخلة نداشتند. برخی از شعارهای مردم در این تظاهرات چنین بود: "با ساداران را حرمی سرمایه‌دار" "این است آزادی ما گلوله بر سینه ما" "بقیه در صفحه ۱۵"

یکی از ساداران زندگان با بدن اسبی وضع دشوار را از خواب سدار می‌کند. با ساداران با ساداران سید ر دو خورد می‌برد. با ساداران که سید! تان سس از ۲۰۰ نفر سوسین از یک زدن و مجروح کردن تعداد زیادی از ساداران زندگان به درو و او حتما سرتیس وجهی آنها را سوار رسمی سوسپای آماده کرده و وسایع اسفناکی، در حد نقطه رسانی با ساداران حوالی کورستان (جانشی که سرتیس) سوخته آنها به خاک سپرده شده‌اند. رها می‌کند. و خشکری با ساداران در انجام اسن کارها سختی بوده که حتی یکی از آنها اسلحه اسن را روی سینه سجد و سالی که ۲۰ روز بعد از سوختن و شهادت پدرش دنیا آمده بود گذاشته و ساداران در زیرش می‌گوید: "اگر جیب بگشایی هم او را می‌کند و هم نور!!" آنها هم چنین یکی

**موااسم بزرگداشت رفیق شهید تقی شهرام**

و همچنین ما در پی رفیق شهید ما سخن گفتند. بسیار است زیرا ظرف همسر رفیق فرات گذرد. بیلا کارها و دسته های گل بیاد آن رفیق تقدیم است و اعلامیه‌های متعددی در همین خصوص بین حمار روزی گردید. جمعیت شرکت کننده ضمن همدردی با پدر و مادرها و رفیق، جنابت اعلام و را محکوم کردند و عزم سربوهای انقلابی و کمونیستی را برای دفاع از مفاصل زحمت کشا نمودند که دگر گنگند و فرادادند. این مراسم با سرود تجیمی انترناسیونال پایان گرفت.

روز جمعه ۱۰ مرداد نیز ساعت ۵ تا ۷ عصر مراسم با شکوهی بدعت کمیته بزرگداشت رفیق تقی شهرام در بهشت زهرا برقرار و سرپا شد. در این مراسم بیش از هزار نفر حضور یافتند. بیلا کارها و شعارهای متعددی و دستهای اسبوه گل که از سوی ساداران کمنیستی و هواداران آنها و دوستان شهید تقدیم شده بود شکوه و جلالتی در خور رفیق شهید را نمایان می‌کند. در این مراسم با کمیته بزرگداشت، به ساداران با ساداران و گروه آزادی طبقه کارگر و ساداران زمان ساداران و گروه سربد برای رها نشی طبقه کارگر و وحدت انقلابی و راه ساداران و رفیق شهید در ۱۲ بقیه در صفحه ۱۲

**بزرگداشت رفیق شهید علی اصغر دوری در مشهد**

مجاهدین خلق ایران در آن سالهای خفقا نرده انجام میدادند مورد بحث قرار گرفت. گرامی بیداشت شهدای انقلابی خلق بویژه کمونیستها، ما را توان تا زهای در راه مبارزه با امپریالیسم و ارتجاع و برپایی جمهوری دموکراتیک خلق ساداران نیل به سوسیالیسم می‌بخشد. ساداران ما یکبار دیگر ضمن گرامی داشت رفیق دوری و همسر و رفیق شهید کفایت شرفانی با خانواده آن رفقا همدردی می‌کند، کوشش رفقای هوادار دگر دوستان را در این رابطه می‌تایید و راه تحقق هدفهای شهیدان جنبش انقلابی و کمونیستی مممانه راه می‌سپرد. ضمنا با ساداران باندور رفیق شهید در بیچاره ۶۵ چاپ شده است ■

مادرمها رهاهای پیشین بیچاره و حرام ساداران با ساداران داغدار شهدای سینما رکس را در ج کردیم اکنون در زمانیکه رژیم زاری و هوای دادگانه علمی برای بررسی بیرون سینما رکس بر آید نخواهد است. با دگر خراسان بوده‌های شهید مورد هجوم و خشنا ساداران و حاکم شرع آبادان فرار می‌گردد. آنجکه در زیر میخواستند کراشی است از حمله و خشنا ساداران به خانواده‌های متحصن در آواره‌های آبادان! ساعت ۵/۱۵ با ساداران در روز شنبه ۱۱/۵/۵۹ با ساداران سرمایه سرپرستی حجت الاسلام مظنا علی حاکم شرع آبادان، با استغاده زنا بیکی شب زنجیر در ورودی آواره‌های (محل تحم ساداران زندگان شهدای سینما رکس آبادان) را با قبی بریده و واردان می‌نموند.

**موااسم بزرگداشت رفیق شهید تقی شهرام**

حکمنبا ساداران عدا رفیق شهرام که از سوی ساداران که خود را "دادگانه انقلاب" می‌نامند در با ساداران و مرداد و حشبنا نه ترین شکلی در زندان اوین اجرا شد. ما مورین زندان در دادگاه اقات کینه‌توزان نشان علیه شهرام - که ساداران عقده‌ها و کینه‌های ضد انقلابی شان علیه همه سربوهای انقلابی و کمونیستها است - با خانواده دادگاران رفیق سرجورد - های نا جوا سحرمانه‌ای کردند و با آنها بدر فتاری بسپار نمودند. همچنین اجازنده دادگانه جنازه بخون غشته این رفیق شهید در آمارگا شهیدان دفن کردند و ساداران در گوشه‌ای از قطعه ۴۱ بهشت زهرا که ویژه دفن عدا انقلابیون، سا و آکها و غیره هست دفن شد! روز سوم شهادت (۵ مرداد) در منزل خانواده مراسم برپا گشت و صدها نفر از همسران و دوستان او و خانواده شهدای جنبش انقلابی و سربوگان شهید شرکت داشتند. از سوی سربو ها و ساداران کمنیستی بهایمهای همدردی و وفاداری به مکرورا رفیق شهرام - که نده و راه کارگران و زحمتکشان است - بسخانواده رسید. در این مراسم از رفیق شهید عزیز سمدی و مادرم شهدای فدائش کیومرث و خشا با سنجری

**بزرگداشت رفیق شهید علی اصغر دوری در مشهد**

روز چهارم مرداد دمواد بود با پنجمین سالگرد شهادت رفیق شهید علی اصغر دوری. بهمین مناسبت با شرکت عده‌ای از ساداران و جمعی از دوستان و همفکران آن رفیق شهید مجلس یادبودی در شهرام - مشهد - برگزار شد. دسته‌های گل و عکس بزرگ شده رفیق، مجلس را زینت می‌بخشید. یک پیام بزرگداشت از جانب ساداران شجوبان و دانش آموزان هوادار ساداران در مشهد و بیای دیگر خطاب به ما در آن رفیق شهید فرات گذرد. همچنین خاطراتی از روحیه انقلابی و عظمت‌های نوده‌ای و دادگانه‌های آن رفیق شهید و تلاش‌ها در راه - ای که در راه مبارزه انقلابی علیه امپریالیسم و رژیم شاهان در چهار رجب بخش منشعب از ساداران

**مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست**